



پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۰۷ / سال دهم / دی ماه ۱۴۰۰ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



ما زنده از آنیم که آرام نگیریم





ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۰۷
سال دهم / دیماه ۱۴۰۰ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی ص ۶

تحلیلی بر کمپین سال ۱۳۹۹ و ۲۰/۱۰ و ۲۰ ص ۲۰

گزارشی از مزار شهرام محمدی ص ۲۸

ایجاد شغل با چه ترفندی! ص ۳۱

گزارش هایی از یکشنبه های اعتراض! ص ۳۲

پیروزی بازنشستگان! ص ۳۶

سالمندی و حقوق سالمند ص ۳۷

از کودکان یاد بگیریم! ص ۳۸

افزایش خرید و فروش نوزاد در بیمارستان های س ۳۹

اندرزهایی از صفحه کازیم عاشقی ص ۴۲

استفلال زایی با اصلاح قانون کار؟! ص ۴۴

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران معتقد است ص ۴۶

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلزکار مکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

= کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

مراجعة کنید

نان، همبستگی، پیروزی!

با مبارزات سراسری کارگران پروژه ای، بازنشستگان و آموزگاران پیامی روشن به حاکمیت فرستاده شد: «نان خط قرمز ماست و هیچ احدی را حق عبور نمی دهیم.»

با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و حذف یارانه های اساسی و آزاد کردن قیمت و دادن ۴۵ هزار تومان حقیرانه جایگزین یارانه ها، طوفان گرانی و تورم را بر زحمتکشان تحمیل کردند و مدعی بودند با جمع آوری این پول زحمتکشان می توانند به سفرهای خارج!!! هم بروند. امروز بعد از گذشت ۱۵ سال هنوز ۴۵ هزار تومان تغییری نکرده است. امروز می شنویم برای آنکه اقتصاد رونق بگیرد و موانع!!! برداشته شود قانون کار مثله، تامین اجتماعی حراج، ارز ۴۲۰۰ تومانی برداشته خواهد شد تا مافیا بیشتر بتواند پول به خارج برده و به عیاشی و نابودی کشور بپردازد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در راستای دفاع از حقوق زحمتکشان همگام با آموزگاران برای دفاع از نان و همبستگی با جنبش آموزگاران، به یاری آنان آمده تا در این نبرد، پیروزی از آن همه مزدبگیران شود. ما از همه رفقای سندیکایی می خواهیم در کنار خواهران و برادران آموزگار در این روزها باشیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۷ آذر ۱۴۰۰

درود بیکران به آموزگاران میهنمان!



زندگی با سیاست های غلط اقتصادی برگرفته شده از نئولیبرالیسم، فقط انسانها را به برده های مدرن تبدیل کرده است. متأسفانه سیاست گذاران و سیاست بازان نه تنها برخلاف شعار هایشان دیدگاهی انسانی ندارند بلکه با مخالفت هایشان با بهبود معیشت زحمتکشان چهره خود را عیان می کنند. اصلاح قانون کار، کنار گذاشتن همسان سازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی، رعایت نکردن حقوق پرستارانی که در مبارزه با کرونا از جان گذشتند، اجرا نکردن رتبه بندی آموزگاران، بازی با ارز و بالا بردن تورم تا حقوق بگیران هر روز قدرت خریدشان را از دست بدهند، بخشی از سیاست های ضد زحمتکشان است.

اعتصاب ۴ ماهه کارگران پروژه ای در سراسر کشور در تابستان، اعتراض به بی آبی کشاورزان، یکشنبه های اعتراض بازنشستگان و اعتراضات سراسری آموزگاران همه یک پیام دارد: نان!

ما ضمن حمایت از خواسته های برحق آموزگاران، پرستاران، بازنشستگان و همه حقوق بگیران اعلام می کنیم نان حق ماست.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۲۰ آذر ۱۴۰۰

نان، همبستگی، پیروزی!

گزارشی هایی از اعتراضات تشکل های فرهنگیان

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، با توجه به فراخوان شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران امروز ۲ دیماه ۱۴۰۰ آموزگاران ۱۰۱ شهر در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و آموزشی دست به اعتراض زدند.

در تهران گروه های زیادی از معلمان و بازنشستگان لشگری، کشوری و تامین اجتماعی در اطراف پارک بهارستان جمع شده و با اینکه نیروهای وسیعی از پلیس، گارد ویژه و نیروهای لباس شخصی با حضور خود اطراف میدان بهارستان را قرق کرده بودند و اجازه هیچگونه توقف و تجمع را برای اعتراض نمیدادند، اما معلمان و بازنشستگان نا امید نشده به طرف میدان بهارستان رفته و با شعارهای مطالبه گرانه خود دست به اعتراض زدند. شعارهای معترضان فرهنگی عمدتاً حول محور معیشت و رتبه بندی کامل معلمان و بر علیه وزیر آموزش و پرورش و مسئولین بی کفایت دور میزد. شعارهای معترضان عبارت بودند از: « معلم زندانی آزاد باید گردد، معلم کارگر اتحاد اتحاد، رتبه بندی ناقص نمی‌خوایم نمی‌خوایم، منزلت معیشت حق مسلم ماست، معلم بیدار است از تبعیض بیزار است، وزیر بی کفایت استعفا استعفا، تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم، لشگری کشوری تامین اجتماعی اتحاد اتحاد» با اینکه پلیس در چند مرحله اقدام به متفرق کردن معترضان نمود اما صحنه های قهرمانانه ای در میدان بهارستان رقم خورد. در حالی که مردان را کتک می زدند و متفرق می کردند، زنان در وسط میدان بهارستان نشستند و علی‌رغم حمله ماموران امنیتی یک ساعتی در میدان نشستند، که نهایتاً مامورین خسته شده و معترضان در مقابل سازمان برنامه و بودجه جمع شده بعد از دادن شعار، قطعنامه تجمع بوسیله یکی از آموزگاران بازنشسته قرائت گردید. این تجمع پس از پایان قرائت قطعنامه معلمان و تکرار دیگر شعارهای معترضان و معلمان و بازنشستگان در ساعت ۱۲ ظهر خاتمه یافت.

در این تظاهرات جمعی از اعضای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و بازنشستگان فلزکارمکانیک و بافنده سوزنی با فراخوان سندیکا شرکت داشتند. ما حمایت خود را از این تجمع و تجمعات آتی آموزگاران اعلام کرده و می‌کنیم.

نان، همبستگی، پیروزی ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۷ دیماه ۱۴۰۰ از ساعت ۱۰ صبح طبق فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران تعداد زیادی از اعضای سندیکای فلزکارمکانیک به همراه گروه‌های بازنشستگان فرهنگی و معلمان مدارس تهران و گروه‌هایی از تشکل‌های صنفی بازنشستگان لشگری، کشوری و تامین اجتماعی که با بخش زیادی از کارگران مخابرات روستایی از استانهای خوزستان، بوشهر، فارس، قم و گیلان که از شب قبل از شهرهای محل زندگی خود به راه افتاده بودند در مقابل مجلس به هم رسیده و تجمع اعتراضی مسالمت آمیز خود را با شعارهای حق طلبانه، فریاد زدند.

آنها خواستار احقاق حقوق ضایع شده خود در طی این سالها و برسمیت شناخته شدن عنوان شغلی شان و احقاق خواسته‌های به حق خودشان در کنار معلمان و بازنشستگان فریاد زدند و از مجلس و نمایندگان خواستند که در جهت احقاق حقوق به حق و انسانی خود عمل کنند.

بازنشستگان فرهنگی اعتقاد داشتند که برای رسیدن به حقان باید راه بیفتیم. باید با فریاد حق عملکرد مسئولین را به چالش بکشیم که به فکر احقاق حقوق زحمتکشان در این روزگار نیستند. انگار این مسئولین مشکل معیشت را درک نمی‌کنند و وضعیت مشقت بار زندگی مردم را احساس نمی‌کنند. بازنشستگانی که سالها زحمت کشیده اند تا در دوران بازنشستگی آسایش داشته و شرمنده

روزگار نباشند. با این تورم و گرانی افسارگسیخته بازنشسته نمی داند چه کند؟ بخشی از شعارهای امروز معترضان در مقابل مجلس علیه نمایندگان و مسئولین بی کفایت عبارت بودند از: مجلس بی کفایت/خجالت، خجالت، معلم زندانی/ آزاد باید گردد، معلم بپاخیز /برای رفع تبعیض، اجرای همسان سازی /حق مسلم ماست، این همه بی عدالتی/هرگز ندیده ملتی، فریاد، فریاد/از این همه بیداد، معیشت، منزلت/حق مسلم ماست، عزا عزاست امروز/ روز عزاست امروز/ زندگی کارگر/ روی هواست امروز.

خوشبختانه در این تجمع اعتراضی برخورد خشونت آمیزی اتفاق نیفتاد. این تجمع در ساعت ۱۲ ظهر با تکرار شعارها و جمع آوری پلاکاردها به پایان رسید.

سندیکا چیست؟ و چه می گوید؟

◆ سندیکاهای کارگری سازمانهایی علنی، دموکراتیک و غیرایدئولوژیک و طبقاتی هستند. می‌گویم طبقاتی یعنی جز کارگران آن واحد تولیدی و یا خدماتی کسانی دیگر حق عضویت در این سندیکاها را ندارند. دموکراتیک هستند، یعنی خرد جمعی بر این سازمان حاکم بوده و تمامی قدرت خود را از رای کارگران گرفته و به آنان پاسخگوست. غیرایدئولوژیک هستند، یعنی هر کارگر با هر بینش سیاسی، مذهبی می‌تواند عضو سندیکا شود. علنی است یعنی مبارزه‌ای برای براندازی حاکمیت سیاسی نمی‌کند و این به عهده حزب طبقه کارگر است. سندیکاها بدلیل فراگیر بودن می‌توانند بسیاری از کارگران را در خود متشکل کرده و دست به مبارزه اجتماعی و اقتصادی برای بهبود شرایط کار و زندگی خود بزنند. سندیکاها در هر کشوری، قوانین کشور خود را پایه‌ای برای تغییرات قرار داده و با این حداقلها دست به مبارزه برای کسب خواسته‌های حداکثری خود می‌زنند.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- غذای ذوب آهن بی کیفیت است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، غذای ذوب آهن بی کیفیت بوده و کارگران از تنوع غذایی ارایه شده رضایت نداشته خواهان افزایش تنوع غذایی ویژه رژیمی در سفارشات رستوران هستند. کار پر از نگرانی و همراه با خطر و سخت و طاقت فرسا در ذوب آهن، اکثر کارگران را به بیماری های گوارشی مبتلا کرده و لذا آنان خواستار غذای رژیمی در لیست غذای رستوران هستند. متأسفانه مسوولین طب کار که باید برای این موضوعات به لحاظ آماری تحقیقاتی را انجام داده باشند تا متوجه گردند که چه میزان و به چه علت کارگران دچار بیماری گوارشی می شوند و برای آن چه تدبیری باید اندیشید، همچنان نظاره گرند و سکوت اختیار کرده اند.

۲- معضلی به نام مسکن کارگران ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اجرای پروژه مسکن ب ۹ فولادشهر بعد از دو سال از کلنگ زنی و افتتاح در هاله ای از ابهام است و هیچ تغییر و تحولی صورت نگرفته است. تغییر سه مسوول در طی دو سال نشانگر بی برنامه‌ریزی مدیریت در این خصوص است. وعده های مدیرعامل که کارگران را صاحب خانه می دانست امروز به روشنی معلوم گشته حرفی بی پشتوانه بوده است. هیچ کس در مقام پاسخگویی در مورد این موضوع نیست. کارگران هنوز چشم انتظار صاحبخانه شدن هستند.

۳- عادی سازی وضعیت کرونایی و مشکل معیشتی کارگران ذوب آهنی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به عادی سازی های اولیه در ذوب آهن به دلیل کم شدن مبتلایان به کرونا، کارگران خواستار اجرای برنامه ریزی برای ساعت اضافه کار برای شیفته ها هستند. این در حالی است که ساعت کار جنرال شیفته کاهش یافته و این باعث گردیده که در دریافتی های کارگران کاهش مشاهده شود. با توجه به گرانی های روز افزون و کم شدن قدرت خرید خانواده های کارگری و دستمزدهای حقیرانه، برای کارگران چاره ای جز اضافه کاری نمانده است.

۴- عادی سازی در ذوب آهن و نتایج آن!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، از اوایل آذر عادی سازی در ذوب آهن شروع شد که ما در گزارش ۲۰ خود هشدار داده ولی گوش شنوایی نبود. مدیریت برای آنکه به سودهای افسانه ای خود دست پیدا کند زودتر از موعد، عادی سازی را در ذوب آهن آغاز نمود. در جلسه معاونین که روز ۲۰ آذر گزارشش منتشر شد یکی از مصوبات چنین است: «رعایت پروتکل های بهداشتی جهت مصون ماندن از بیماری کرونا و ضرورت!! تامین وسایل ایمنی و بهداشتی برای کلیه کارکنان و تاکید بر رعایت فاصله گذاری»

افزایش بیماران کرونایی در ذوب آهن از نتایج عادی سازی پیش از موعد بوده است. در همین راستا کارگران و کارکنان ذوب آهن خواستار توزیع ماسک سه لایه بیمارستانی به جای ماسک های سه بعدی هستند.

اخباری از پروژه های نفت و گاز



۱- خودکشی کارگران پروژه ای ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در روز ۵ آذر ۱۴۰۰ یکی از کارگران پیمانکار بندر صادراتی و خدماتی تمبک (از زیرمجموعه های شرکت عمران ساحل قرارگاه خاتم) دست به خودکشی زد و فوت کرد. سعید محمدی کارگر پیمانکاری خوشرو از پروژه بندر سیراف پارس بود. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک خوزستان به همه کارگران پروژه ای تسلیت می گوید.

حقوق های حقیرانه، کار سخت، گرمای هوا، نبود حمام های استاندارد و غذای مناسب، وجود مواد مخدر و از همه بدتر یاس و ناامیدی از مبارزه که بار گرانی را گران تر می کند همه موجب می شود تا کارگران به پوجی و ناامیدی برسند و چون سعید محمدی ها دست به خودکشی بزنند. این خودکشی ها قتل است برنامه ریزی شده از سوی شرکت های پیمانکاری تا کارگران دست به اعتصاب و حق خواهی نزنند. نفرین دوزخیان بر شما باد!



۲- کمپین ۱۰/۲۰ ادامه دارد!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، دور جدیدی از اعتصابات کارگران پتروشیمی های پارس جنوبی شروع شده که در اعتراض به بدقولی های کارفرمایان در رابطه با اجرا نشدن مقررات کمپین چه به لحاظ دستمزدها و چه به لحاظ مرخصی های وعده داده شده است.

امروز ۱۰ آذر ۱۴۰۰، کارگران پروژه ای پتروشیمی مبین پارس جنوبی از صبح دست به اعتصاب زدند. آنان خواهان رعایت قوانین کمپین ۱۰/۲۰ هستند و خواستار برکناری مدیران دروغگو بوده و در شعارهای امروزشان بارها این موضوع را فریاد زدند.

همچنین کارگران پتروشیمی تخت جمشید بندر ماهشهر نیز به دلیل اجرایی نشدن کمپین ۱۰/۲۰ و یکسان نشدن حقوق هایشان با کارگران دیگر شرکت های پیمانکاری که تحت مقررات کمپین ۱۰/۲۰ در حال کار در این پتروشیمی هستند، دست به اعتصاب زدند.

بسیاری از کارفرمایان که در بحبوحه کمپین تلاش کردند با دروغگویی کارگران را به سرکار برگردانند، و در همان روزها در جلسات خود می گفتند که: «کارگری که به سرکار برگردد با هر شرایطی کار خواهد کرد و کمپین هم دیگر

نخواهد بود که به کمکشان بیاید» امروز می بینند که چقدر در گفته های خود اشتباه فکر می کرده اند. کارگران از مرداد سال ۱۳۹۹ و با اولین کمپین دیگر کارگران قبلی نیستند و این را باید بفهمید. آنان متوجه حقوق زایل شده خود گذشته اند و دیگر به شرایط برده وار شما باز نخواهند گشت. به اضافه اینکه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک خوزستان حامی همیشگی کارگران پروژه ای است و دیگر کارگران تنها نیستند. **گسترده تر باد کمپین ۱۰/۲۰ کارگر متحد کارگر**

۳- پیمانکاران دغلكار را رسوا می كنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکاری به نام ربعی زاده اهل هفشجان ۱۴ روز از کارکرد کارگزارش را نداده و آنان را سر می داوند. ایشان با یک اصفهانی شریک شده و با این ترفند از کارگران کار مجانی می گیرند. البته کارگران نیز از این فرد شیاد شکایت کرده اند که تصویرش را می گذاریم. همچنین پیمانکار خط لوله چابهار به نام خدادادی و متاسفانه اهل هفشجان نیز ۱۸ روز کارکرد کارگزارش را نداده است. ما به دوستان هفشجانی پیغام می دهیم این افراد را که نام شما را خراب می کنند در هیچ جایی تحویل نگیرید و حتا در هفشجان هم بگویید که با کارگر چه می کنند. کارگران نام این افراد را به خاطر بسپارند و برایشان کار نکنند چون سندیکای کارگران فلزکارمکانیک خوزستان آنان را تحریم کارگری کرده است

۴- پیمانکاران، دزدان قانونی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت سیمان خوزستان، این کارخانه نه تنها جان انسانها را با آلوده کردن فضا به خطر انداخته است بلکه با کمک به پیمانکار به دزدی از دستمزدهای کارگران کمک می کند. کارگران جوشکار و داربست بندهایی با سابقه بین هشت تا ده سال که عمده کار تعمیرات این شرکت بردوش آنان است، هر ساله مدیریت کارخانه، کار را به صورت مناقصه سوری به پیمانکاری دست به دست می کنند. این پیمانکار حالت دکور دارد تا بتواند با واسطه قرارداد خود، اندک حقوق کارگران را به یغما ببرد. برای آنکه کارگران همیشه در فشار نگرانی بیکار شدن خود باشند هر ساله کار را به پیمانکار میدهند

و هر ساله هم کارگران برای گرفتن مزایا و پرداخت حق بیمه باید به اداره کار دادخواست بدهند و سرگردان شوند تا دستمزد حقیرانه خود را با دردرس از پیمانکار بگیرند. این کارگران نیز مانند همه کارگران پیمانکاری خواستار تبدیل وضعیت خود به قرارداد مستقیم با کارخانه و یا عضویت در شرکت تعاونی هستند تا از مزایای کارخانه بهره مند شوند.

۵- برای شرکت ساپرما کار نمی کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت ساپرما یکی از شرکت های پیمانکاری است که در پروژه های مختلف کار گرفته ولی حق و حقوق کارگران را نمی دهد. به ویژه در پروژه تیس چابهار کارگران زیادی از این شرکت بد حساب طلبکارند. اکثر این نیروها بومی و یا بلوچ هستند. قابل باور کردن نیست اما کارگرانی هستند که از سال ۹۷ طلبکار بوده و شوربختانه دستشان هم هیچ مدارکی ندارند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه کارگران پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها این شرکت را تحریم کارگری کرده و از دوستان کارگرمی خواهد برای کار به این پیمانکاری بدحساب و دغلکار مراجعه نکنند.

۶- کارگرانی که جانشان برای هیچکس ارزشی ندارد!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا ۱۰ خانواده دارخوینی در پی بی مسوولیتی کارفرما که ماشین های قراضه ایسوزو را برای حمل و نقل کارگران استفاده می کند، و همچنین اداره راهسازی که برای بهبود وضعیت جاده های مرگ اقدامی نمی کند، و باعث جان باختن این کارگران شده اند، عزادار هستند. ویدیو حاضر مربوط به کارگران دارخوین دقایقی قبل از سانحه ای مرگبار روز شنبه ۴ دیماه ۱۴۰۰ در جاده قدیم اهواز- خرمشهر می باشد. در جریان این تصادف زنجیره ای تعداد دیگری از کارگران به شدت زخمی شدند. اسامی جانباخته گان: مالک بالدی، عماد بالدی، جنگی بالدی، محمد بالدی، حاتم بغلانی، سعید بالدی، فاخر بالدی، حلیم بالدی، عبدالرضا بالدی، نزار بالدی می باشد.

سالهاست که به مسوولین وزارت نفت و وزارت کار این موضوع گوشزد شده است اما مافیای نفت و گاز از پرداختن به بهتر کردن وضعیت رفاهی کارگران پروژه ای ظفره می رود. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در خوزستان ضمن تسلیت به خانواده های زحمتکش دارخوینی بر پافشاری خود جهت بهبودی وضعیت کارگران پروژه ای لحظه ای از پای نخواهد نشست.

۷- اجازه دستبرد به دستاوردهایمان را نخواهیم داد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در آبادان پیمانکاران به بهانه اینکه حقوق نفرات طبق کمپین بالا رفته است و ۲۰۱۰ هستند، روزهای بارانی را بدون حقوق اعلام کرده اند و با مقاومت کارگران روبرو گشته اند. شرکت آبادراهان به پیمانکاری رحمت سلحشور و پیمانکاری عزت ململی و شرکت **IGC** به پیمانکاری کرامت سلحشور تلاش دارند دستاوردهای کارگری را با شکستی که از کمپین خورده اند، ضایع کنند. تا بوده و طبق قانون کار روزهای بارانی باید حقوق کامل کارگر پرداخت شود. ما از کارگران می خواهیم که در مقابل این زورگویی بایستند و اجازه ندهند از بی خبری کارگران بومی و تازه وارد به پروژه سواستفاده بشود.

همچنین از دوستان کارگری که از پیمانکار برق و ابزار دقیق به نام علی غفوری راد پیمانکار شرکت نصب نیرو در شیروان خبری دارند به ما بدهند تا بتوانیم با کمک شما دوستان این پیمانکار فراری را که به کارگانش بدهکار است را پیدا کرده حقوق برادرانمان را از این بی مروت بستانیم.

همچنین پیمانکار شرکت اسفالت طوس که به قشم رفته تا کارگر برای شرکتش استخدام کند با فریاد هماهنگ کارگرانی که طبق کمپین می خواهند به سرکار بروند روبرو شد. **حق پیروز است و پرچم کمپین همچنان افراشته**

اخبار ایران خودرو



۱- چرا ایران خودرو نیرو نمی‌گیرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با بازنشسته شدن ۶۳ نفر فقط در ۲ ماه آبان و مهر در ایران خودرو، استخدامی برای جایگزینی این افراد دیده نمی‌شود و باید کارگران در حال کار، وظایف این کارگران بازنشسته را انجام دهند که برای انجام وظایف آنان مجبورند تن به اضافه کاری های طاقت فرسا بزنند. مدیریت ایران خودرو برای کاهش نیافتن سود حداکثری خود و کار کشیدن حداکثری از نیروی کار موجود، سالهاست دست به استخدام نزده و تا توانسته مدیران بی خاصیت را برای در فشار گذاشتن کارگران استخدام می‌کند.

۲- بیماری های گوارشی در ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بیماری های گوارشی در ایران خودرو کم کم خودی نشان می‌دهند و این به دلیل بی کیفیتی غذاست. هر چند که ایران خودرو مدعی استخدام بهترین آشپز است اما این ربطی به آشپز نداشته و مواد استفاده شده در غذا که بی کیفیتی و غیربهداشتی است موجب این بیماری هاست. به عنوان نمونه سس گوجه فرنگی مورد استفاده در آشپزخانه ایران خودرو ترائیخته بوده که موجبات بیماری و صدمه به کارگران است. کارگران بارها با اعتصاب غذاهای خود به مدیران پیام داده اند که وضعیت غذا باید به کیفیت مطلوب برسد.

۳- اجرای قانون سخت و زیان آور معضلی برای کارگران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، موضوع سخت و زیان آور بودن مشاغل در ایران خودرو به مشکلی همیشگی تبدیل شده است. کارگران پیمانکاری «نیما سرویس» که سخت و زیان آور بودن شغلشان از سوی ایران خودرو تأیید شده است، مشاهده کرده اند که هیچ اقدامی در مورد محاسبه این سالها و بازنشستگی شان از سوی مدیریت صورت نگرفته است. همچنین کارگران پیمانکاری «خانه ما» در انتظار سخت و زیان آور بودن کارشان هستند تا زودتر بازنشسته شوند. تعلل مدیریت ایران خودرو در این مورد جز سودجویی و اهمال و بی عرضگی مدیرانش هیچ توجیه دیگری ندارد.

۴- گزارشی از سالن های رنگ ایران خودرو!

سالنهای رنگ شرکت ایران خودرو، متشکل از سه سالن (رنگ ۱، رنگ ۲ و رنگ ۳) می باشد که هم اکنون سالن رنگ یک، به صورت دو شیفت و رنگهای ۲ و ۳ به صورت سه شیفت، فعال می باشند. سختی کار در این سالنها، لحاظ می شود، منتهی با پر شدن ۲۰ سال سابقه ی کار، معمولاً دو سه سالی، کارگران را اضافه نگه میدارند. یکی از مشکلات کارگرانی که سختی کار به آنان تعلق میگیرد، این است که ایران خودرو مابه التفاوت بیمه مربوط به مشاغل سخت و زیان آور را، همان بدو استخدام لحاظ نکرده و ۴ درصد را واریز نمی کند. یعنی کارگران ظاهراً به آنها سختی کار تعلق میگیرد ولی در عمل، بیمه ی آنها عادی حساب می شود. تا زمانی که ۲۰ سال آنها پر می شود و موقع بازنشسته کردن، شرکت کل مابه التفاوت ۴ درصد را یکجا واریز می کند. منفعت این کار، برای شرکت این است که اگر کارگر، بخواهد استعفا داده و یا اخراج یا به هر دلیلی، قراردادش تمدید نشود، بیمه ی شخص، عادی حساب شده و کارگر حتی اگر شکایت کند راه به جایی نمی برد. فعالان کارگری یکی از مشکلاتشان همین لحاظ نشدن سختی کار است که با اخراج از بین می رود. سرانه ی اضافه کاری برای تمام قسمت ها تقریباً یکسان است، منتهی برای سرپرستان و همچنین آنهایی که نزدیک بازنشستگی هستند، بیشتر می باشد. برای بازنشستگی، بالای ۹۰ ساعت و حدود ۱۰۰ را میتوان اضافه کار پر کرد. ولی سرانه ی اضافه کار

عادی، حدود ۶۰ ساعت می باشد. وضعیت غذا، بد نیست، غذا در ظروف یکبار مصرف، و بصورت گرم داده می شود. یک روز در میان میوه و هفته ای یک بسته ۶ تایی ماسک توزیع می شود. با ورود سرویس ها به کارخانه کل صندلی ها توسط نیروهای خدماتی ایسیکو، ضد عفونی می شود. بیش از ۹۵ درصد سرویسها، اتوبوس هستند. حمام ها دایر هستند، هرچند قبلا سهمیه صابون و پودر رختشویی داده می شد، ولی چند سالی است که قطع شده است. قراردادهای طبق روال قبل، هر ۶ ماه یکبار تمدید می شوند. فقط نیروهای ورودی ۷۹ و قبل از آن رسمی هستند. سالن های رنگ، در قسمتهای مختلف، از جمله، پیشرنگ، خط آستر و خط رنگ رویه، دارای خط رباتیک هستند. نیروهای خط ربات عمدتاً با حکم تکنسین کار می کنند. در بحث حقوق ها، طبق طبقه بندی که تقریباً ده سال پیش انجام شد، پایه ی کارگران، نسبت به حقوق پایه، افزایش خوبی داشته. منتهی ایران خودرو، در قسمت حقوق، تفکیک کرده مثلاً یک قسمت زده، حقوق، پابینش، کارایی، سپس مزد ماندگار شغل، مزد قوانین ویژه و ... البته با این احتساب طبقه بندی مشاغل، در سال ۹۰ و با سابقه ی کاری بچه ها که اکثراً بالای ۱۶ سال سابقه دارند، دریافتی آنها بدون احتساب اضافه کاری، حدود ۸ میلیون بوده که با این وضعیت تورم، معیشت یک خانواده کارگری را تامین نمی کند.

۵- مدیران ایران خودرو چه می کنند؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدتهاست غذای طبخ شده در رستوران ایران خودرو کیفیت لازم را نداشته و کارگران اعتراض خود را به مدیریت مربوطه اعلام کرده اند. با آنکه ادعا شده آشپزهای ایران خودرویی بسیار مجرب و کار بلد هستند اما غذاهایی چون زرشک پلو و جوجه کباب در حد کبابی های سر خیابانی هم نیست و سس گوجه فرنگی داده شده از نوع تراریخته می باشد. مدیران ایران خودرو حتی از توزیع لباس کار سالن مونتاژ هم عاجز هستند و کارگران در این سالن با شلوارهای کهنه کار کرده و کاورشان را هم هنوز دریافت نکرده اند. این به معنای این است که مدیریت حتی توان برنامه ریزی برای تهیه شلوار و لباس کار را هم ندارد چه برسد به....

۶- سخت و زیان آور، سودی برای ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، عدم اعلام سخت و زیان آور بودن مشاغل در ایران خودرو و نپرداختن ۴ درصد پول به بیمه تامین اجتماعی سودی ظالمانه برای این شرکت دارد. کارگرانی در ایران خودرو وجود دارند که با ۳۵ سال سابقه هنوز کار می کنند و تدارکی برای بازنشستگی شان مشاهده نمی شود در سالن رنگ ۳۰۰ کارگر با ۲۰ سال سابقه در خط تولید کار می کنند که به تازگی به آنان اعلام شده باید ۲۴ سال سابقه داشته باشند تا بازنشسته گردند. و یا اجحاف به کارگرانی که قبلاً در ایدکو شاغل بودند و بعد به شرکت «زمان روب غرب آسیا» منتقل شده و حالا دوباره اعلام شده به ایدکو برگردند. این برگشت و تبدیل وضعیت متأسفانه باید کارگران دوباره آزمایش طب کار بدهند که از جیب کارگران هزینه شده و شرکت این هزینه را متقبل نمی شود و پرداخت آن برای کارگران دشوار است. مهمتر از همه در زمان بازنشستگی به مشکلات زیادی از این جابجایی بر خواهند خورد، چرا که پرونده شان در یک جا نمی باشد که بتوانند محاسبه دقیق سوابق صورت گرفته و به اور بازنشستگی شرکت اعلام گردد.

مبارزات سندیکایی

مبارزات سندیکاهای کارگری علیه سرمایه‌داری انگل تجاری، واسطه بین صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی دقیق در راستای تقویت مبارزات کارگران دنیا و جنبش کارگری جهانی است. ما و برادران و خواهران کارگران در آسیا، آفریقا، آمریکا، اروپا، و اقیانوسیه درد شلاق نسخه‌های این سازمانهای امپریالیستی را فراموش نکرده‌ایم. این سازمانها با ارایه سیاست درهای باز به غارت سرمایه زحمتکشان مکزیکی و برزیلی دست زده و با بدهکار کردن این کشورها و شیوع ایدز در آفریقا و هندوستان با همدستی سرمایه‌داران خان این کشورها ثروت ملی و سلامت زحمتکشان این کشورها را به یغما برده‌اند. دوستان غیر سندیکایی در مورد این غارتها و دزدی‌های آشکار هیچ نمی‌گویند. طبقه کارگر برای حفظ ثروت ملی در دست سرمایه‌دار انگل تجاری لانه کرده در دولت و سیاست، «سیاهی لشکر» هیچ طبقه‌ای نیست. امروز نسخه صندوق بین‌المللی پول یعنی هدفمندسازی یارانه‌ها و یا به دیگر سخن گرسنگی دادن به طبقه کارگر و غارت منابع ملی کشور در دست اجراست.

کارگران در مجتمع مس سرچشمه و مطالبات ایشان

مطابق گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، کماکان وضعیت پرداخت مطالبات کارگری نظم و نظام خاصی پیدا نکرده و برخی شرکت های این مجتمع به بد عهدی شان برای پرداخت مطالبات کارگران ادامه می دهند:

- شرکت نیرو و صنعت سرچشمه با تاخیر در پرداخت حقوق پرسنل، از مهرماه تاکنون موفق به پرداخت حقوق نشده است؛ قابل ذکر است که این شرکت در ترفندی جدید، پرداخت معوقه های کارگری و ستادی را دوگانه کرده و حقوق کارگران را یک ماه جلوتر از نفرات ستادی خود پرداخت می کند.

- شرکت پارسیان نیز از مهر ماه سال جاری، حقوق و مزایای پرسنل را پرداخت نکرده و هیچ وضعیت روشنی برای پرداخت معوقات خود ندارد و ظاهراً مصائب مالی پروژه ادامه دارد.

- شرکت فولمن در انتهای قرارداد خود، ضمن معوقه های پرداختی، نسبت به بیمه ی نفرات خود اقدام نمی نماید و مطالبات پیمانکاران دست دوم این مجموعه نیز به اندازه ی یک سال در تاخیر است.

- شرکت متبا نیز از مهر ماه موفق به پرداخت حقوق نفرات خود نشده و تنها این شرکت، پرداخت بیمه های پرسنل را بروزرسانی کرده است.

- شرکت جهان پارس در پرداخت حقوق آبان ماه موفق بوده است.

- شرکت آبادگران کریمان، پیمانکار دست دوم پروژه فلوتاسیون، از مهرماه موفق به پرداخت حقوق پرسنل خود نشده است.

- شرکت داریان پیمانکار فلوتاسیون سرپاره از مهرماه نسبت به پرداخت حقوق نفرات خود اقدام ننموده و این شرکت در پرداخت حق بیمه ی پرسنل نیز تاخیر دارد.

گزارشگر پیام سندیکا- مجتمع مس سرچشمه

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



۱- رانندگان و کارگران شرکت واحد، روز یکشنبه ۲۸ آذر ساعت ۱۰ صبح برای پیگیری مطالبات به شهرداری و شورای شهر تهران مراجعه می‌کنیم!

همکاران گرامی حق گرفتنی است نه دادنی! با توجه به عدم توجه مدیریت شرکت واحد نسبت به مطالبات معوق کارگران شرکت واحد و بدون نتیجه ماندن طومار اعتراضی رانندگان به شهرداری تهران و شورای شهر تهران، در روز یکشنبه ۲۸ آذر ساعت ۱۰ صبح، رانندگان و کارگران شرکت واحد بطور جمعی به شهرداری تهران مراجعه خواهند کرد. خواسته‌ها و مطالبات معوق کارگران شامل: ۱- پیرو پیگیری‌ها و نامه نگاری‌های سه سال گذشته خواهان اجرای فوری بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل هستیم. ۲- پرداخت معوقات شارژ کارت‌های اعتباری ۳- پرداخت بدون وقفه ۴ درصد حق بیمه کارگرانی که شرایط بازنشستگی‌شان احراز شده است. ۴- تعیین تکلیف کارگرانی که از تسهیلات مسکن برخوردار نشدند. همچنین تعیین تکلیف پروژه‌های مسکن تعاونی مسکن شرکت واحد از جمله سپیدار ۲ و ۳، سهیل که بیش از ده سال است بلا تکلیف می‌باشند. ۵- تبعیض بسیاری در پرداختی کارمندان شهرداری و کارگران شرکت واحد وجود دارد. خواهان رفع هرگونه تبعیض در پرداختی

کارمندان شهرداری و کارگران شرکت واحد هستیم. ۶- بازگشت به کار پنج راننده اخراجی حق طلب که به دلیل پیگیری مطالبات رانندگان سال هاست اخراج از کار می‌باشند. ۷- شروع دوباره سفرهای زیارتی و تفریحی یا پرداخت هزینه‌های این سفرها. ۸- عدم پرداخت پک بهداشتی کرونا ۹- عدم پرداخت سود سهام بانک شهر ۱۰- سنوات خدمت بازنشستگان در چند قسط پرداخت می‌گردد. خواهان پرداخت یکجا و بدون تاخیر سنوات خدمت بازنشستگان هستیم.

۲- تجمع کارگران شرکت واحد مقابل شهرداری تهران امروز ۲۸ آذر در اعتراض به عدم اجرای بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل و دیگر مطالبات معوق کارگران

امروز ۲۸ آذر رانندگان و کارگران شرکت واحد در اعتراض به عدم اجرای بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل و دیگر مطالبات معوق کارگران در مقابل شهرداری و شورای شهر تهران تجمع و راهپیمایی کردند. در این تجمع بیش از ۲۰۰ تن از رانندگان و کارگران شرکت واحد شرکت کردند. کارگران در بخشی از شعارها کارگران اعلام کردند چنانچه خواسته‌های‌شان محقق نشود اعتصاب آغاز خواهد شد. کارگران فریاد می‌زدند:

طبقه بندی مشاغل اجرا باید گردد/کارگر بپاخیز برای رفع تبعیض/تورم گرانی
 بلای جان مردم/ حق ما رو که ندید اعتصاب آغاز میشه/کارگر اخراجی شاغل
 باید گردد/مدیریت به گوش باش کارگریم نه اوباش/چند ساله وعده میدن دروغ
 میگوین نمیدن/یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه/کارگر معلم کشاورز بپاخیز
 برای رفع تبعیض/مسکن ما رو آبه مدیریت تو خوابه/مرگ بر ستمگر درود بر
 کارگر

تحلیلی بر کمپین سال ۱۳۹۹ و ۱۰/۲۰ - ۱۴۰۰ (۱)

از ابتدای فعالیت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ما مصمم به آموزش قانون اساسی (فصل سوم، حقوق ملت)، قانون کار و به ویژه قوانین سندیکایی در میان کارگران بوده و هستیم. آموزش در کنار فعالیت میدانی همواره اصل کار ما بوده و خواهد بود. با این رویکرد از سال ۱۳۹۴ که سندیکا به میان کارگران نفت و گاز رفت تلاش برای اجرایی کردن آموزش‌ها همراه با خواسته‌های کارگران سرلوحه کارمان قرار گرفت. در همین راستا جمعی در سال ۱۳۹۷ در چهارراه عسلویه با بیش از ۱۰۰ کارگر پروژه‌ای که با در دست داشتن آرم سندیکا و فدراسیون جهانی اینداستریال و خواسته‌هایشان رقم زدیم که متأسفانه به سرکوب کارگران منجر شده و تعداد ۴ تن از کارگران کنشگر سندیکایی دستگیر و حکم زندان گرفتند.

با آسیب‌شناسی از این تجمع و برآورد نیرو و توان کارگران و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، کمپین سال ۱۳۹۹ جهت افزایش حقوق و بهبود مسایل رفاهی آغاز گردید. این اعتصاب توانست ۴۵ هزار کارگر پروژه‌ای را متحد کرده در ۱۱ مرداد ۱۳۹۹ با اعلام تخلیه سراسری پروژه‌ها، آنان را به خانه بفرستد. از چند روز قبل از اعتصاب رهبران کمپین خواسته‌های خود را به مدیران پالایشگاهها و پتروشیمی‌ها و پیمانکاران بزرگ و کوچک اعلام نمود و متذکر شد تا افزایش حقوق‌ها بر طبق کمپین هیچ کارگری بر سرکار حاضر نخواهد شد. فراخوان ما به مدیران ارشد پالایشگاهها و پتروشیمی‌ها و پیمانکاران بزرگ، با بی‌اعتنایی روبرو گردید. اما با تخلیه سراسری کارگران طی کمتر از ۵ روز، اول پیمانکاران کوچک و سپس مابقی پیمانکاران و مدیران ارشد مراکز نفتی به دست و پا افتاده بعد از چند روز، تلاش کردند با افزایش ناچیز حقوق‌ها، کارگران را راضی به بازگشت کنند. اما موضع قاطع کمپین ۱۳۹۹ و همچنین سوگند کارگران، این نقشه‌ها را بر باد داد. حتا کارگران اعتصاب شکن هم با اخطار جدی کارگران روبرو شده از رفتن به محیط‌های اعتصابی خودداری کردند و بعد از ۳۰ روز مذاکره کارفرمایان با رهبران کمپین

و انتشار لیست حقوق های خواسته شده، کارگران کم کم به سرکار باز گشتند و قراردادهای حقوق بر طبق لیست اعلامی کمپین بسته شد.

در این کمپین بطور متوسط حقوق کارگران به ویژه جوشکاران، فیترها، مونتاژکاران ۲ برابر شد. کارگران ساده (کمکی) نیز با حمایت برادران جوشکار و مونتاژکار و فیترا، حقوقشان به مرز ۴ میلیون تومان و یا بیشتر رسید.

این کمپین توانست جوشکاران و مونتاژ کاران و فیترها و داربست بندها را متحد کرده با انتشار لیست حقوق درخواستی برای همه رشته های کاری به جز کارکنان اداری منجر به تحول بزرگی در راستای افزایش دستمزدها بشود. از همه مهمتر خواست عقب نیفتادن حقوق ها و پرداخت دستمزدها در سر هر ماه نه تنها ۴۵ هزار کارگر را شامل شد، بلکه در همه پروژه ها این اتفاق رخداد. هر چند در بعضی مواقع حقوق کارگران ۱ الی ۲ ماه عقب می افتاد اما با اطلاع رسانی خبرنگاران پیام سندیکا حقوق ها به سرعت پرداخت می شد. چرا که کارفرمایان با تحریم کارگری سندیکا و اکیپ کارگران پروژه ای مواجه می شدند. برای مثال پالایشگاه ستاره خلیج در بندرعباس از کارگراتش در هنگام عقد قرارداد امضا می گرفت تا ۶ ماه حق مطالبه حقوق را ندارند و در صورت اعتراض به نیروهای امنیتی معرفی و از کار اخراج و حقوقشان مصادره خواهد شد. امروز همین پالایشگاه با تحریم های کارگری ما تقریبین به یکی از خوش حساب ترین پالایشگاههای کشور تبدیل شده است.

در این کمپین: ۱- افزایش حقوق ها به دو برابر ۲- لغو هرگونه عقب افتادگی دستمزدها ۳- بهتر شدن شرایط کار اتفاق افتاد. اما مهم آن بود که کارگران درک کردند نیروی متحدشان از هر چیزی قوی تر است.

در طی ۴۰ سال بعد از انقلاب اولین اعتصاب عمومی در سراسر کشور با پیروزی خاتمه یافت و روسیاهی اش به تفرقه اندازان و اعتصاب شکنان ماند. هر چند در این اعتصاب نقش بقیه مشاغل بسیار کم رنگ بود و بسیاری از مشاغل و کارگران با تردید به این اعتصاب و موفقیتش می نگریستند، اما اتحاد کارگران با کمترین هزینه موفق شد همه کارگران اعتصابی را با موفقیت به سرکار

بازگرداند. هزینه داده شده در مقابل این موفقیت بزرگ بسیار ناچیز بود. اعتصاب آرام و با قدرت پیش رفت و اجازه دخالت به هیچ نیرویی را برای تشنج کشیدن اعتصاب نداد. رهبران در همه پروژه ها حضور داشتند و با قدرت اعتصاب را پیش بردند و بر سر خواسته های خود پا بر جا ماندند. تعداد احضار شده ها به پلیس سیاسی به تعداد انگشتان دو دست هم نرسید.

اتحاد کلید واژه ای بود که تمرین شد و کارگران به قدرت همبستگی خود پی بردند و با سرفرازی به سرکار بازگشتند. نهال سرکوب شده در چهارراه علویه سال ۱۳۹۹ ثمر داده بود و کارگرانی که در آن سال فکر می کردند شکست خورده اند، مزد تلاش های آن روز خود را بعد از ۲ سال تلاش دریافت کردند. ۴ کارگری که در زندان با شلاق و توهین مجازات شده بودند و بازجویان تمام تلاش خود را کرده بودند تا روحیه اینان را طوری بشکنند که دیگر هوس مبارزه صنفی نکنند، امروز سرافرازانه می دیدند که حق و مبارزه پیروز است. نئولیبرالیسم نتوانسته بود روحیه کارگری را سرکوب کرده، فردگرایی را به کارگران تحمیل کند و در نهایت شعله مبارزه را خاموش کرده و مبارزین را بترساند.

کارگران با سرفرازی به کار بازگشتند. خرسند از عمل کارگری خود و خوشحال از حمایت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، که آنان را از دادن هزینه بی مورد محافظت کرده بود. آنان به پروژه ای بودن خود افتخار می کردند و برای اولین بار همه در شهرهایی که این کارگران در آن زندگی می کردند، مردم از اعتصاب با خبر شده و آنان را به دیده تحسین نگاه می کردند. کارگران به شان و شخصیت خود می بالیدند سرفراز در شهر و خانواده خود بسر می بردند.

این اعتصاب رهبران جدیدی را از دل خود بیرون داد تا برای فردایی روشن، آماده و دلیرانه برزمند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۴۰۰/۹/۱۷

تحلیلی بر کمپین سال ۹۹ و ۱۰/۲۰ - ۱۴۰۰ (۲)

کارگرانی که در سال ۹۹ به اعتصاب نپیوسته و از مزایای آن بی بهره مانده بودند، بی صبرانه انتظار کمپین دوم را می کشیدند. از اوایل سال ۱۴۰۰ بسیاری از کارگران پروژه ای با رهبران کمپین ۹۹ تماس گرفته و خواهان اعلام کمپین جدیدی بودند، اما نه پیشنهادی جدی با برنامه ریزی داشتند و نه تحلیلی از اوضاع حاکم بر پروژه ها، فقط کمپین دیگری می خواستند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ اعلام کرد: «کارگران بر طبق نرخ کمپین سال ۹۹، ۳۹ درصد به حقوق خود اضافه کرده با کارفرما قرارداد بنویسند» اما بخش بزرگی از کارفرمایان به دلیل اینکه این ۳۹ درصد افزایش را که دولت اعلام کرده بود بر نمی تابیدند، از افزایش حقوق کارگران پروژه ای خودداری نمودند.

از سویی دیگر رهبران کمپین سال ۹۹ از همان ابتدای سال ۱۴۰۰ با موجی از افترا و تهمت از سوی افراد ناشناسی که خود را پروژه ای می نامدند، مواجه شدند که رگه هایی غیر کارگری و پروژه ای داشت. این گروه ناشناس برای تخریب رهبران کمپین ۹۹ و دستاوردهای آن با استفاده از ارکستر هماهنگ رسانه ای تلاشی تفرقه افکنانه را شروع کردند. رهبران کمپین ۹۹ بی توجه به این سیل تفرقه افکنان و با دریافت خواسته ها و خبرها از پروژه های مختلف و مهمتر از همه افزایش حقوق ها و گستاخی مدیران پالایشگاهها، پتروشیمی ها و پیمانکاران بزرگ و کوچک و تهدید کردن رهبران کمپین با همراهی پلیس سیاسی همه تلاش خود را برای عقیم ماندن کمپین ۱۰/۲۰ به کار بستند. آنان حتی از اخراج کارگران فنی و باسابقه خود نیز ابا نداشتند. تا آخر خرداد پیغام و پسخام با کارفرمایان به نتیجه نرسید. از سال گذشته تلاش شد تا مرخصی کارگران پروژه ای از ۶ روز به ۱۰ روز برسد و حتی گفتگو با مدیران وزارت کار بوشهر و اینکه: «چه تفاوتی بین کارگران شاغل در وزارت نفت وجود دارد که بخشی باید ۶ روز در ماه به مرخصی بروند ولی بخش دیگر ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی داشته باشند، مگر قانون اساسی میان انسانها با شغل یکسان تفاوت گذاشته است؟» پاسخی دریافت ننمودیم.

وضعیت رفاهی برغم شکایت های بسیار و حتا نامه کارگران پروژه ای از سوی دفتر رهبری به وزارت کار تهران و اداره کار بوشهر با دست توانای مافیا بی اثر شد و حتا پتروشیمی ها اجازه ورود به بازرسان اداره کار بوشهر به داخل پتروشیمی ها را ندادند. اخبار پروژه ای حاکی از عدم ایمنی مناسب، لیست بیمه های غیر واقعی با شغل کارگران و گاه رد نشدن لیست بیمه کارگران شاغل و دزدی آشکار این مبالغ، غذای افتضاح، حمام های بدون آبگرم- دوش - مناسب نبودن مقدار مایع شستشو، بیماری زا بودن خوابگاههای ساس زده، نبود ماشین های حمل و نقل کارگران با کولر و ازدحام در کانکس ها و خانه های کارگری و رعایت نشدن پروتکل های بهداشتی کرونایی، اخباری بود که به سندیکا می رسید. شعار کمپین ۱۴۰۰ بیشتر نمودن مرخصی کارگران بود و برای ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی را اعلام نمود. عجله کارگرانی که در کمپین سال گذشته شرکت ننموده بودند برای بهتر شدن وضعیت خود، شرایطی را به وجود آورد که کارگران نامناسب ترین زمان را به رهبران کمپین ۱۰/۲۰ تحمیل کردند و از صبح ۲۷ خرداد به تخلیه سراسری محیط کار دست زدند. این تخلیه سراسری بیش از ۲۰ روز طول کشید و در نهایت نزدیک به ۱۰۰ هزار کارگر پروژه ای در بیشتر شغل ها به آن پیوستند. از کارگران پالایشگاهی، نیروگاهی، پتروشیمی ها گرفته تا پروژه های کوچک ساختمانی و معدنی. از جوشکار و فیتر و داربست بند گرفته تا کارکنان دفتری و گاه کارکنان حراست را نیز در بر گرفت. این اعتصاب حتا کارگران بیدبلند و معادن را نیز همراه کرد.

لازم است یادی کنیم از رفیق پرتلاش مان پدram پارسایی در شرکت سازه پاد در سایت یک پتروشیمی بوشهر که متاسفانه به دلیل ابتلا به کرونا او را از دست دادیم.

پلیس سیاسی با احضار بخشی از رهبران کمپین ۹۹ تلاش کرد ترس را به میان کارگران اعتصابی برده و بخشی از کارگران را وادار به آمدن به سرکار کند. هم زمانی اعتصاب با انتخابات ریاست جمهوری و نبود مدیران ارشد دولتی مذاکره کننده با نمایندگان کارگران در همه جا و سردرگمی مدیران واحدهای پتروشیمی و پالایشگاهی و نیروگاهی برای تصمیم گیری مناسب در این شرایط، اعتصاب را به سمت فرسایشی شدن کشاند. با تمام تلاش رهبران کمپین ۱۰/۲۰

بعد از دو ماه کم کم آثار موافقت پیمانکاران کوچک و نیمه بزرگ آشکار گردید. متأسفانه تعدد مراکز تصمیم گیری کمپین ۱۰/۲۰ و شیطننت های پیمانکاران و عوامل پیدا و پنهان آنان برای متفرق و دلسرد کردن کارگران از همان روزهای آغازین نمودار شد و در همان ماه اول ۱۰ هزار کارگر را از کمپین جدا شدند. افراد تندرویی که خود را همه کاره کمپین می دانستند با شیطننت های پیمانکارانی که در جلسات شان علیه کمپین مواضع تفرقه اندازانه ای را اتخاذ کرده بودند و برای شکست آن از هر ابزاری استفاده می کردند، افتاده و با دادن راهکارهای غیر عملی و حتا حمایت از گردهمایی های شغل های خاص و نامیدن اینگونه صف کشی ها به «مجامع عمومی» به طولانی کردن اعتصاب و تحلیل بردن توان کارگران، به نتیجه دیگری ننشست و تفرقه بین مشاغل را دامن زد. این افراد که از میانه اعتصاب دیگر حرفی برای گفتن نداشتند و کارگران هم به آنان بی اعتنا بودند، رفتند تا شکست اعتصاب را به گردن رهبران واقعی کمپین ۱۰/۲۰ بیاندازند. حمایت این افراد نادان از بسته شدن قراردادهای بخشی از رشته ها از جمله جوشکاران بدون کارگران فیتز، مونتاژکار، و حتا کمکی ها و نبستن قراردادهای جمعی با کارفرمایان تا همگی به سرکار برگردند، موجب دلسردی کارگران در سایر مشاغل گردید و شایع شد که عده ای از کارگران یک شغل خاص برای منافع خود این کمپین را راه اندازی کرده اند. هرچه رهبران کمپین بر قراردادهای جمعی همه رشته ها با هم با پیمانکاران مانند سال گذشته پافشاری می کردند و از کارگرانی که به سرکار رفته بودند می خواستند که برادران خود در سایر شغل ها را نیز شاغل کنند، اما شکاف ایجاد شده با تبلیغات عوامل کارفرمایان تفرقه اندازی و دلسرد کردن کارگران با فرسایشی کردن اعتصاب، عجله در انتخاب بد زمان شروع کمپین و موج تخریب از سوی افراد تندرو و بی وجاهت در میان کارگران بر علیه رهبران اصلی کمپین و انتشار هرزنامه هایی بی امضا و به ویژه توهین به نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، رفیق گرامی مازیارگیلانی نژاد و تلاش برای زدن تهمت برای سلب نمایندگی از ایشان برای امضا نمودن متن نمایندگی، آن هم در زمانی که اتحاد برای موفقیت کمپین هرچه مبرم تر بود، دست کارفرمایان را برای یکه تازی هرچه بیشتر باز نمود و با توهین به قومیت ها و اختلافات قومی برای از هم جدا کردن اتحاد کارگران آغاز شد. هرچند که با هوشیاری سندیکا و توضیح اینکه: «دزد دزد است و قومیت نمی شناسد» اجازه تفرقه داده نشد. ترفند جدیدی

آغاز شد و پیمانکاران با دادن قول های دغلكارانه به كارگران برای اجرای مقررات كمپین بخش بزرگی را به سركار باز گرداندند. در مقابل این موج، نامه نگاری ها آغاز گردید و اولین نامه به نماینده شهر رامهرمز توسط ۱۰۰ كارگر پروژه ای و اعلام خواسته های كمپین و معرفی نماینده شان، مازیار گیلانی نژاد نوشته شده و حتا كارگران با حضور در مقابل در خانه این نماینده و استفاده از روزنامه محلی او را مجبور ساختند نامه هایی به كمیسیون انرژی مجلس نوشته و خواهان دیدار با نماینده كارگران شود.

انتشار اولین نامه اعتراضی ۲۰۰۰ كارگر پروژه ای به نمایندگان مجلس، ریاست مجلس، وزارت كار، وزارت نفت و معرفی مازیار گیلانی نژاد به عنوان نماینده شان، شوک بزرگی را به تندروها و كارفرمایان و مسوولین وارد ساخت و شركت فلات قاره را مجبور به بستن قرارداد بر طبق كمپین با كارگران نمود. سپس با همه دغلكاری های پیمانكاران بزرگ پالایشگاه آبادان نیز به كمپین پیوست. این موفقیت ها با اتفاق نادری همراه شد. پیمانكاران كوچك مقررات كمپین را قبول کرده و با كارگران قرارداد بستند اما شركت های مادر به آنان فشار آوردند و از آنان خواستند این قراردادها را لغو كنند. آمدن ۴۰ نماینده ۱۰ هزار كارگر پروژه ای شهرهای ایذه، رامهرمز، اصفهان، بوشهر به تهران در ۱۵ شهریور و ملاقات با نماینده خود و تجمع در مقابل مجلس و سپس وزارت نفت مسوولین را وادار به مذاکره با نماینده كارگران که مسوول سندیکای كارگران فلزكارمکانیک ایران است نمود.

فراتر از همه دسیسه ها از سوی همه آنانی که با دانایی و نادانی می خواستند كمپین را ناکام بماند، آنچه اتفاق افتاد بیش از ۴۰ درصد كارگران به ویژه در شركت های بزرگ با مقررات كمپین به سركار رفتند. بخشی با کمی تغییرات در مقررات كمپین به كار برگشتند. مابقی که با دروغگویی پیمانكاران و مدیران شركت ها به سركار بازگشته بودند و با بدعهدی آنان روبرو شدند امروز دست به اعتصاب زده و خواستار اجرایی شدن مقررات كمپین ۱۰/۲۰ هستند. نتیجه اعتصاب این شد که:

۱- کارگران بیشتری به این اعتصاب سراسری پیوسته و به قدرت همبستگی خود پی بردند و ترس شان از بیکاری و اخراج ریخت.

۲- اکثریت کارگران اعتصابی از موارد کمپین سود بردند که به تثبیت افزایش حقوق ها، افزایش روزهای مرخصی، عقب نیفتادن حقوق ها منجر شد.

۳- محو شدن نیروهای تندرو نا آشنا با مسایل کارگران پروژه ای

۴- جا افتادن بی خاصیت بودن پیمانکاران و حذف آنان از پروژه ها به خواست کارگران تبدیل شده است که باید از آن بهره برداری نمود

۵- حمایت مردم شهرها و روستاهایی که کارگران پروژه ای در آنجا ساکن هستند و کمک به آنان و پخش اخبار و موفقیت های کمپین در میان این مردم

۶- نام آورتر شدن نام سندیکا و بالا رفتن اعتبار سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران میان کارگران پروژه ای و مردم

۷- مذاکره با نماینده سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در مقام نماینده ۲۰۰۰ کارگر از سوی مسولین

۸- ایجاد یک شور همگانی و سراسری در کشور و اتصال کارگران پروژه ای در سراسر کشور با نیروی نامرئی اتحاد که اتفاقات بعد از این اعتصاب شاهد آن است.

۹- تجربه تحت فشار گذاشتن نمایندگان مجلس شهرهای درگیر در اعتصاب برای پاسخگویی و حرکت به نفع کمپین از سوی نمایندگان شهرشان.

کارگر متحد کارگر

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۴ آذر ۱۴۰۰



گزارشی از مزار شهرام محمدی

باشندگی نمایندگان سندیکایی کارگران فلزکار مکانیک ایران و پیشگامان فرهنگی هنری ادبی رامهرمز و ایل سترگ بهمی بر سر مزار کارگر فداکار ایذه ای زنده یاد شهرام محمدی !

تاریخ را مردان بزرگ رقم می زنند؛ همانها که همه دغدغه شان آسایش و رفاه جامعه انسانی است و برای انجام این آرمان بزرگ از جان و همه هستی خود مایه می گذارند و نام و یادشان در همه زمانها ماندگار و جاودانه خواهد بود. بی گمان آنچه که این بزرگمردان را از دیگران جدا می سازد به سبب انجام کاری است که در زمان ویژه خود انجام می گیرد. آنان در بزنگاه زندگی خود درست ترین راه را گزینش می کنند. خانواده و همه هستی و آرزوهای خود را بر منافع ملی سرزمینشان ترجیح نداده و خود را فدا می نمایند. همانند سردار سرافراز ایران زمین، آریوبرزن لُر و خواهرش یوتاب که در تنگ تکاب کهگیلویه و

بویراحمد راه را بر سپاهیان اسکندر گجستک بستند و ترس و لرز و مرگ و بن بست بر آنان فرود آوردند.

قهرمان فراموش ناشدنی جنبش کارگری زنده یاد شهرام محمدی که از تبار سیاوش و آرش بود در هنگامه آتش سوزی پتروشیمی مارون ماهشهر در تیرماه ۱۳۹۴ آگاهانه به میان تندباد آتش و گاز رفت و با بستن شیر فلکه اصلی راه را بر آتش بست تا نگذارد آتش به دیگر بخشهای پتروشیمی و شهر ماهشهر و سازه های بندر برسد و از خدادی ناگهانی و مرگبار که می توانست سرمایه های ملی سرزمینمان را به ویرانی و نابودی بسپارد و خانواده های هزاران کارگر را بدون سرپرست بگذارد، جلوگیری نمود. بی گمان این گونه کارهای ارزشمند بایستی مورد ستایش قرار گرفته و الگویی برای همگان شود تا فرهنگ فداکاری در مقابل فردگرایی نئولیبرالیسم تبلیغ شود.

در دیداری که روز جمعه تاریخ ۱۴۰۰/۹/۱۱ نمایندگان سندیکایی فلزکار مکانیک ایران و خوزستان به همراه نمایندگان انجمن های ادبی رامهرمز و باغملک و پیشگامان فرهنگی هنری و ادبی ایل سترگ بهمیمی به سر مزار زنده یاد شهرام محمدی در آرامستان کولفرح ایذه گرد هم آمدند و یاد و نام این قهرمان کارگری را گرامی داشتند. آنان با خانواده این بزرگمرد گفتگو نموده و بر آنان درود فرستادند که چنین فرزند قهرمانی را پرورش دادند.

شوربختانه سردمداران استان خوزستان و مسوولین پتروشیمی مارون هیچگونه کار ویژه ای برای پاسداشت نام و یاد این کارگر قهرمان و الگوی ملی میهنی انجام ندادند تا نمادی باشد برای انسانیت و مردم ایران زمین. در این میان نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، مازیار گیلانی نژاد به خانواده آن زنده یاد گفت که: «سندیکا همه کوششهای خود را به کار خواهد بست تا بتواند با پیگیری های گسترده نام و یاد این کارگر فداکار جنبش کارگری را زنده نگه دارد». سپس مهربان یونس عباسی نماینده انجمن سوات رامهرمز چکامه ای لُری که در روز درگذشت آن زنده یاد سروده بود، را بازخوانی نمودند.

در پایان برای شادی روان آن زنده یاد درودها فرستادند و با خانواده زنده یاد شهرام محمدی ابراز همدردی نموده و سپس از آثار تاریخی شهر باستانی کولفرح بازدید نمودند.

وارتان خرمدين عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران



سندیکاهای کارگری برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، می‌کوشند.

سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چند ماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می‌کوشند.

سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان، ورزش رایگان و همگانی، طبق قانون اساسی می‌کوشند.

ایجاد شغل با چه ترفندی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وزیرکار در مصاحبه ای با مجله آتشیکار به شماره ۱۳۰۱ به تاریخ ۱۵ آبان اعلام کرده است: «یک میلیون و ۸۵۰ هزار فرصت شغلی تا پایان ۱۴۰۱ اجرایی خواهیم کرد» و در ادامه گفته: «با برداشته شدن موانع بروکراتیک، بخش خصوصی توانایی ایجاد شغل را خواهد داشت» یعنی ماهانه ۱۱۵/۶۲۵ کارگر بیکار را به سرکار خواهند فرستادم.

فارغ از اینکه آیا وعده داده شده انجام شدنی است یا نه، مهم موانع بروکراتیک است که از نظر ایشان مانع اشتغالزایی است. ایشان در این مصاحبه نگفته اند که این موانع چیست و در کجای قوانین وجود دارد.

سوال اینجاست: آیا برداشتن ماده ۴۱ قانون کار و حداقل دستمزد سالیانه از نظر ایشان جزو موانع بروکراتیک است؟؟؟ آیا برداشتن محدودیت ۸ ساعت کار در روز، یا حذف بیمه اجباری و کلن تعطیل کردن سازمان تامین اجتماعی جزو این موانع است؟؟ آیا رابطه ای بین ایشان و آن ۳۸ نماینده ای که خواهان تغییر قانون کار به نفع کارفرمایان و برداشتن همه مواد حمایتی قانون کار از کارگران وجود دارد، می باشد؟

اگر این موارد مانع اشتغالزایی است چرا از خود و معاونین خود شروع نمی کنند؟ یعنی برای ایشان و معاونین شان بازنشستگی را لغو کنند، بیمه اجباری و تکمیلی برایشان منظور نشود، به جای ۸ ساعت کار در روز ۱۶ ساعت کار بی وقفه بدون تعطیلی جمعه انجام گیرد و حقوق ماهانه شان هم به ماهی یک میلیون تومان کاهش یابد.

این طرح را به مدت یکسال برای خود و معاونین شان و آن ۳۸ نماینده مجلس اجرا کنند. بعد اگر مطلوب بود برای هیات دولت، نمایندگان مجلس، قوه قضاییه نیز به مدت ۳ سال و سپس در وزارت خانه ها برای کارمندان عالی رتبه و بعد از ۴ سال برای کارگران اجرا کنند.

گزارش هایی از یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۱ آذر بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای رشت، اهواز، اصفهان، کرمانشاه و تهران تجمعات اعتراضی را در مقابل سازمان تامین اجتماعی شهرشان و در تهران در مقابل کانون بازنشستگان برگزار کردند. هرچند از هفته های گذشته پلیس سیاسی به فعالان هشدار داده بود تجمع را لغو کنند و حتی در تهران نیروی انتظامی به مقابل کانون بازنشستگان گسیل شده بود اما تجمع های مطالبه گرانه صورت گرفت.

در اصفهان طبق معمول بازنشستگان فولاد تجمع در مقابل صندوق بازنشستگی فولاد داشتند. در رشت بازنشستگان جلوی تامین اجتماعی تجمع کرده و هر لحظه بر جمعیت اضافه می شد مطالبه گران شعارهای صنفی سردادند که از عدم اجرای همسان سازی درست معترض بودند. در پایان نامه ای هم با بیش از صد امضا به نمایندگان استان گیلان در مجلس تهیه شد که رونوشت آن به دفتر مدیر کل تامین اجتماعی گیلان ابلاغ شد.

در تهران طبق فراخوان هفته گذشته در مقابل کانون بازنشستگان به عمل نکرد کانون ها و در اعتراض به بی عرضگی هیات مدیره کانون تهران تجمع شد. در این تجمع بازنشستگان در مورد اینکه: «هشت ماه از سال گذشته ولی کانون ها هیچ کاری درباره همسان سازی ۱۴۰۰ انجام نداده اند و اینکه در طی این شش ماه اول سال طبق گفته و تایید دولت ما بیش از ۵۰ درصد تورم داشته ایم و این یعنی درآمد ما برای خرید مایحتاج عمومی نصف شده و قدرت خرید ما به همین نسبت کم شده» صحبت کردند. همچنین نامه ای خطاب به رییس کانون تهران که بیش از ۲۰۰ نفر امضا کرده بودند به خبرگزاری ایلنا داده شد. متن نامه به شرح زیر است: **جناب آقای دهقان کیا، ریاست محترم کانون بازنشستگان تامین اجتماعی تهران**

احتراما با توجه به جلسه مورخه ۲۳ آبان ۱۴۰۰ که در حضور اعضای هیات مدیره کانون، ماموران امنیتی و جمعی از بازنشستگان برگزار شد. شما موارد ذیل را اعلام کردید:

۱ «- همسان‌سازی سال ۹۹ بطور کامل اجرا شده است.» سوال اینست که این کار چگونه انجام شده در حالیکه به اذعان قبلی شما، هنوز ۲۵ درصد آن انجام نشده، باقی مانده است؟!!

۲ - گفتید: «همسان‌سازی سال ۱۴۰۰ انجام شده است» چرا احکام این همسان‌سازی ابلاغ نشده است و چرا شما پیگیر این مطالبه نبوده اید؟! آیا مرحله دوم همسان‌سازی سال ۹۹ انجام شده، سپس افزایش حقوق سال ۱۴۰۰ صورت گرفته و بعداً همسان‌سازی سال ۱۴۰۰ انجام گردیده است؟! لطفاً در این خصوص بطور شفاف و با مدارک و دلایل توضیح دهید.

۳ - اعلام کردید که: «اخذ ۸۹ هزار میلیارد تومان طلب سال ۱۴۰۰ سازمان از دولت ربطی به همسان‌سازی ندارد» با توجه به اینکه طی اظهارات مکرر شما و آقای بیات در جلسات سال گذشته مبنی بر اینکه بخشی از این طلب جهت همسان‌سازی سال ۱۴۰۰ خواهد بود. لطفاً شفاف‌سازی نمایید.

۴ - آیا شما به همسان‌سازی دائمی مانند بازنشستگان لشکری و کشوری اعتقاد دارید یا خیر؟ آیا تاکنون در این خصوص اقدامی نموده اید؟

۵ - در همان جلسه آقای مجیدی گفتند: «چه کسی می گوید که باید دوباره مستمری ها را افزایش دهند؟» شما را مراجعه می دهیم به مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی.

سوال اینست که آیا کانون که نماینده ما بازنشستگان است حق دارد اینگونه پاسخ دهد؟!!

لذا خواهشمندیم پاسخ سوالات فوق را در خبرگزاری ایلنا، برای آگاهی کلیه بازنشستگان تامین اجتماعی شفاف‌سازی نمایید.

با سپاس جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی

یکشنبه های اعتراض در رشت!

در رشت بازنشستگان جلوی تامین اجتماعی تجمع کرده و هر لحظه بر جمعیت اضافه می شد مطالبه گران شعارهای صنفی سردادند که از عدم اجرای همسان سازی درست معترض بودند. در پایان نامه ای هم با بیش از صد امضا به نمایندگان استان گیلان در مجلس تهیه شد که رونوشت آن به دفتر مدیر کل تامین اجتماعی گیلان ابلاغ شد. متن نامه به شرح زیر است:

بنام پروردگار حق

باعرض سلام و ارادت خدمت مجمع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی

ما جمعی از بازنشستگان استان گیلان بخش های مهمی از مطالبات مان که سال هاست مغفول مانده را به سمع و نظر شما می‌رسانیم و امید داریم که شما و با همت والای تان و با کمک سایر نمایندگان محترم مجلس در ثمربخش شدن آن به جامع بزرگ بازنشستگان یاری رسانید.

۱- اجرای ماده قانون ۹۶ و ۱۱۱ سازمان تامین اجتماعی که به بهانه های مختلف راکد مانده و عملی نمی‌شود و در عوض با مصوب کردن یک آئین‌نامه داخلی (۶۹) برای بازنشستگان خود عملاً بازنشستگان را به دو گروه خودی و غیر خودی تقسیم کردند. ۲- تصویب پیگیری همسان سازی دائمی بر اساس و پایه ماده ۹۶ که حقوق حداقل بگیران را به سبب معیشت نزدیک کنند. ۳- اجرای التزام به بیمه درمان رایگان که از سال ۱۳۶۸ تصویب شده و اما سالهاست از اجرای آن خبری نیست. ۴- تعیین تکلیف بدهی های دولت به سازمان از جمله مبلغ ۸۹ هزار میلیارد و سایر بدهی های دولت. ۵- عیدی بازنشستگان کارگری عین شاغلین (۲ ماه حقوق) طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی سال ۱۳۷۱ پرداخت شود. ۶- تغییر مدیریت سازمان از هیات امنایی به ساختار ۳ جانبه گرایی.

امید است با تلاش و پیگیری های شما نامی نیک از شما در ذهن جامعه بزرگ بازنشستگان باقی بماند.

با تشکر، از طرف نمایندگان بازنشستگان مستقل سازمان تامین اجتماعی استان گیلان رونوشت: مدیریت محترم سازمان تامین اجتماعی استان گیلان

یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز ۲۸ آذرماه در شهرهای خراسان شمالی، اهواز، خرم آباد، کرمانشاه، تهران تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی برگزار شد. در خرم آباد بازنشستگان که در مقابل اداره کل تامین اجتماعی جمع شده بودند شعار می دادند: «تنها ره رهایی از سفرهای خالی، فریاد در خیابان». در کرمانشاه بازنشستگان با پهن کردن سفره خالی وضعیت اسفبار معیشتی خود را برای افکار عمومی به نمایش گذاشتند.

امروز در تهران جمعی از بازنشستگان در پارک بهارستان به یکدیگر رسیدند و در مورد بسیاری از مسائل بازنشستگان از جمله برخوردهای امنیتی که در طی هفته های اخیر با بازنشستگان در مقابل کانون ها و احضار برخی از بازنشستگان و تهدید و ارباب آنها و تعهد کتبی گرفتن که دیگر فراخوان ندهند و در تجمعات اعتراضی بازنشستگان شرکت نکنند آغاز شد. در ضمن در این تجمع یکی دیگر از بازنشستگان از تعرض فیزیکی امنیتی ها در مترو بر علیه خود و حمایت و پشتیبانی دیگر مسافران مترو در این حادثه نسبت به خودش در برخورد با افراد امنیتی اظهاراتی را بیان کردند. در ضمن بازنشستگان در این تجمع خواستار حمایت و پشتیبانی از تجمعات اعتراضی فرهنگیان و معلمان معترض به وضعیت حقوقی خودشان شدند و گفتند که درد ما بازنشستگان با فرهنگیان مشترک است و ما بازنشستگان چه لشگری و چه کشوری، باید با فرهنگیان و بازنشستگان تامین اجتماعی در یک صف اعتراضات مان را به پیش ببریم. این تجمع در ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه به پایان رسید.

پیروزی بازنشستگان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در روز ۶ آذر بازنشستگانی که نامه عزل بیات را به وزارت کار داده بودند پیگیر نامه ی با امضای ۲۱۰۰ نفر از کارگران و بازنشستگان در مخالفت با خصوصی سازی بانک رفاه کارگران شدند که آنها را به بخش حقوقی نزد آقای دکتر ملکی راهنمایی کردند. در گفتگو با ایشان، نامبرده از ارسال نامه خیلی استقبال کرد و گفت که: «این نامه موضع ما را در مقابل دولت که در یک مصوبه عمومی خواهان خصوصی سازی کلیه بانک ها شده است، تقویت کرد و باعث شد اجرای این مصوبه یک سال به تاخیر بیفتد» همچنین در دیدار با ایشان خواسته بازنشستگان مبنی بر اینکه هیأت مدیره شستا مستقیماً زیر نظر هیأت مدیره سازمان باشد نه زیر نظر وزیر کار، که ایشان نیز استقبال کرد. باید طوماری با امضای کارگران و بازنشستگان در این خصوص تهیه و پیگیری کنیم! این پیروزی را باید تداوم بخشید و اجازه نداد تا اموالمان را بخش خصوصی و قمارخانه بورس به تاراج ببرد. اما در پیگیری نامه نمایندگان ۱۱ شهرستان به رئیس سازمان تامین اجتماعی به بخش فرهنگی (آقای شاحسینی) راهنمایی شدند و پس از بحث و گفتگو در مورد مواد نامه به ایشان گفته شد که: «ما یک نامه به شما داده ایم و شما موظف به پاسخگویی می باشید. که آدرس گرفت تا پاسخ رسمی بدهد.

روز جمعه، روز تعطیل هفتگی کارگران با استفاده از مزد هست!

✓ماده ۶۲ - روز جمعه، روز تعطیل هفتگی کارگران با استفاده از مزد هست. کارگران دائم، مدت موقت و یا کار معین در طول مدت قرارداد خود با کارفرما می توانند از روز جمعه به عنوان تعطیل رسمی و هفتگی با استفاده از مزد استفاده نمایند. حذف حقوق روز جمعه از کارگران به دلیل عدم اشتغال آن ها در کارگاه غیرقانونی است.

✦ از لحاظ طول مدت تعطیل هفتگی، هر چند قانون کار به روز تعطیل هفتگی اشاره می کند، با توجه به مقوله های بین المللی ۱۴ و ۱۶ و همانگونه که عرف نیز پذیرفته است، مدت ۲۴ ساعت تعطیل هفتگی باید به نحوی محاسبه شود که از نیمه شب تا نیمه شب دیگر ادامه داشته باشد و ساعات دیگر استراحت که بلافاصله قبل از نیمه شب یا بعد از نیمه شب است را شامل نگردد.

❖ استفاده از تعطیل جمعه برای کلیه مشمولان قانون کار از جمله کارگران نوبتی الزامی است.

❖ منبع: کتاب قانون کار



سالمندی و حقوق سالمند

«با ویلچر آوردنش کنار قطعه‌ای که مزار پسرش بود. بخاطر ارتفاع قبرها، نمیشد با ویلچر حرکت کند. دور دستاش دستمالی پیچید و چهار دست و پا، با کلی زحمت و نفس نفس و با تمام وجود، از بین قبرها عبور می‌کرد. به مزار پسرش که رسید، خودش رو انداخت روی قبر و سنگ رو در آغوش گرفت»

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران بر این باور است که حقوق سالمندان در ایران رعایت نمی‌شود و نهادهایی چون شهرداری و بهزیستی و صندوق‌های بازنشستگی باید وظایف خود را به درستی در قبال سالمندان انجام دهند



از کودکان یاد بگیریم!

در مراسم تشییع یک افسر مرزبانی در استان سیستان و بلوچستان با نام ستوان شهید موسی نوروزی که توسط اشرار مسلح واقع در یکی از روستاهای شهردیشموک از توابع کهگلویه برگزار شد، کودک خردسال رامهرمزی به نام اوستا شیخی که همراه خانواده اش در مراسم شرکت کرده بود، تمامی ظروف یکبار مصرف رها شده در محل گورستان روستا را با دستن کوچک خود جمع آوری کرد.

با خسته نباشی به دستن کوچک این پسر خوب دوستدار محیط زیست و همچنین خانواده با فرهنگش، امید که یاد بگیریم زباله را در محل خودش بگذاریم و مادر زمین را آلوده نکنیم.

افزایش خرید و فروش نوزاد در بیمارستان‌های ایران

مدیرعامل یک سازمان مردم‌نهاد در ایران از خریدوفروش نوزادان در بیمارستان‌ها خبر داد و گفت: «مادرانی که می‌خواهند نوزاد خود را واگذار کنند، در بیمارستان می‌گویند که هویت و شناسنامه‌ای ندارند، بنابراین با هویت مادری که قرار است نوزاد را در اختیار بگیرد، وضع حمل می‌کنند و پولی را که می‌خواهند می‌گیرند...».

به گفته منصور دهقان، قیمت نوزادان بستگی به شرایط دارد و حتی اینکه چهره زن باردار زیبا باشد یا نه نیز در این قیمت‌ها تاثیرگذار است و اگر مادر تغذیه مناسبی هم داشته باشد، قیمت بالا می‌رود.

خریدوفروش نوزادان، اگرچه در سال‌های گذشته نیز وجود داشت، اما در سال‌های اخیر هم‌زمان با گسترش فقر و محرومیت‌های اجتماعی رواج بیشتری نیز یافته و به تجارتي پرسود برای واسطه‌ها تبدیل شده است. کار آنان این است که خریدار و فروشنده نوزاد را با هم آشنا می‌کنند و در همه مراحل کار از دریافت پول تا تحویل نوزاد حضور دارند.

بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ایران، هرگونه خریدوفروش قاچاق کودکان جرم محسوب می‌شود و مجازات زندان و جریمه دارد. با این حال به‌نظر می‌رسد قانون فعلی ضمانت اجرایی و بازدارندگی لازم را نداشته است. چراکه بسیاری از افراد با عنوان «هدیه» یا «واگذاری» روند خریدوفروش کودکان را ادامه می‌دهند و نکته مهم این است که طبق اعلام فعالان اجتماعی، در این میان سهم کمتری از پول به مادری که کودک خود را واگذار کرده است، می‌رسد.



در روز ۷ دسامبر ۲۰۰۶، سه هزار زن در مجتمع بافندگی و دوزندگی مصر در محله الکبری مصر، کارگاه‌های خود را در اعتراض به پرداخت نشدن پاداش ترک کردند. آنها در حالی که به سمت کارخانه‌ها می‌رفتند، سرود می‌خواندند: "مردا کجان؟ زنا اینجان." و مردها را شرمگین کردند تا به اعتصاب بپیوندند. درحالی که هزاران کارگر در میدانی نزدیک جمع شده بودند، هفتاد تن از کارگران در کارخانه ماندند و آنجا را تسخیر کردند تا از سرگیری تولید جلوگیری کنند و تا روز چهارم اعتصاب در داخل ماندند تا اینکه دولت شکست را پذیرفت و همچنین با پرداخت پاداش و خصوصی نکردن کارخانه موافقت کرد. این مقاومت موج اعتصاب عظیمی را در سراسر کشور آغاز کرد.



فقیری به ثروتمندی گفت:

کجا تشریف می‌برید؟

ثروتمند گفت:

قدم میزنم تا اشتها پیدا کنم!

تو کجا میروی؟

فقیر گفت: من اشتها دارم!

قدم میزنم تا غذا پیدا کنم!

اندرزهایی از صفحه کازیم عاشقی

وقتی که راه نمی روی زمین هم نمی خوری. این "زمین نخوردن" محصول سکون است نه مهارت.

وقتی تصمیم نمی گیری و کاری نمی کنی، مسلماً اشتباه هم نمی کنی؛ این "اشتباه نکردن" محصول انفعال است نه انتخاب.

خوب بودن به این معنی نیست که درهای تجربه را بر خود ببندی و فقط پرهیز کنی؛ خوب بودن در انتخاب های صحیح ماست که معنا پیدا کرده و شکل می گیرد. اشتباه کنید اما آن را مجدداً تکرار نکنید!! املائی ننوشته غلط هم ندارد...

به جای نابغه، خوشبخت تربیت کنید!

خانواده ها می خواهند کودکشان را فلان کلاس و موسسه ثبت نام کنند تا نابغه شود و بعد از کلی رفت و آمد، نتیجه ای جز خشم و اضطراب و افسردگی برای کودکشان ندارد.

گیریم که کودک شما بتواند یک عدد ۸ رقمی را در یک عدد ۵ رقمی ضرب کند و جوابش را در یک صدم ثانیه بگوید، یا بتواند در ۱۵ سالگی لیسانس بگیرد، یا حافظ کل دیوان حافظ و سعدی و مولانا شود آیا آن وقت می تواند درست زندگی کند؟ از زندگی لذت ببرد؟ مسایلش را حل کند؟ درست تصمیم بگیرد؟ دوست پیدا کند؟ اصلاً می تواند بخندد؟

کودکان ما نیازی به نابغه شدن ندارند، اما نیاز دارند که بدانند چگونه زندگی کنند.

کودک

چراغ قرمز شد،

اومد چند ضربه به شیشه ماشین زد

با دست اشاره کردم بره پی کارش،

یک دفعه نگاهم به قیافه‌اش افتاد.

پسری با موهای فر فری و قیافه‌ای با نمک،

ناخودآگاه خنده‌ام گرفت.

گفت: "عمو جون پسر داری؟"

بیا واسش بادکنک بگیر، خیلی خوشحال میشه بخدا،

هیچی مثل شاد کردن دل بچه نیست!"

اینو با بغض گفت...

دو تا خریدم، یکی رو دادم به خودش.

گفتم: بیا اینم واسه خودت، تو هم بازی کن،

گفت: "عمو دستت درد نکنه، بادکنک زیاد دارم، من بابا ندارم!"

چراغ سبز شد ...

اشتغال‌زایی با اصلاح قانون کار؟!

ایجاد اشتغال یکی از بهانه‌های ۳۸ نماینده مجلس در ارائه طرح خود برای توافق کردن مزد و اصلاح قانون کار است. به تغییرات در سیاست ایجاد اشتغال فقط در مدت ۶ ماه ریاست جمهوری رئیسی اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم. تا مهر یا آبان‌ماه سال جاری سیاست دولت برای بهره‌کشی وحشیانه از تحصیل‌کردگان دانشگاهی که بخشی چشمگیر از بیکاران کشور را تشکیل می‌دهند، بر اساس گزارش ۱۳ مهرماه ایسنا- پرداخت ماهیانه ۵۰۰ هزار تومان به فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی، ۶۰۰ هزار تومان برای مقطع کارشناسی ارشد، و ۷۰۰ هزار تومان در ماه برای مقطع دکترا بود. مطابق گزارش ۲ آبان‌ماه ایسنا، در این طرح مزایای بیمه اجتماعی برای کارورز پیش‌بینی نشده بود، اما در صورت جذب کارورز، کارفرمایان تا دو سال از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما معاف بودند. اولین جلسه شورای اشتغال به ریاست رئیسی برگزار شد. در این جلسه وزیر کار، عبدالملکی، و عده ایجاد یک میلیون شغل در سال رئیسی را به یک میلیون و هشتصد و پنجاه هزار فرصت شغلی در مدت ۱۷ ماه افزایش داد که معاون کارآفرینی او با اعلام اینکه «با توجه به ظرفیت‌های فعلی اقتصادی کشور ایجاد این میزان از اشتغال امکان‌پذیر نیست» از سمت معاونت خود کناره‌گیری کرد. در این مورد روز ۱۱ آبان‌ماه یک کارشناس مسائل اقتصادی گفت: «اینکه دولت آقای رئیسی اختصاص پیدا کرده به فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق پدیده مناسبی نیست... مشاغل خانگی جزئی نمی‌توانند ایجاد اشتغال کنند... بازار دادن وعده‌های غیرعملی شدیداً رواج پیدا کرده است». در حین اصرار به اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و حذف حداقل دستمزد و بیمه شاغلان کنونی، عبدالملکی حتا اخیراً پا را فراتر گذاشته و با رونمایی از طرح «زیست‌بوم ملی اشتغال» خود، ایجاد اشتغال برای بیکاران و بهبود وضعیت اشتغال از نظر دستمزد، بیمه و بهداشت برای کلاً ۲۱ میلیون نفر را در نظر دارد!

بعد از برگزاری چهارمین نشست به اصطلاح «ستاد اشتغال قرارگاه رفاه مردم» در ۸ آذرماه که مهم‌ترین خروجی‌اش اظهارنظر وزیرکار عبدالملکی بود که گفت: «حدود ۴۰۰ هزار کارآفرین حرفه‌ای در کشور داریم که... باید شناسایی

و شناسنامه‌دار شوند.^۹ آذرماه تعدادی از نمایندگان مجلس به آمار ارائه شده و ایجاد اشتغال در دولت رئیسی انتقادهای شدیدی داشتند. به نظر می‌رسد برای به اصطلاح “رفع مشکل بیکاری” در بودجه سال ۱۴۰۰ مبلغ ۳۲ هزار میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفته شده بود. یکی از نمایندگان مجلس با بیان اینکه “در حال حاضر با بالاترین نرخ بیکاری مواجه هستیم”، گفت: “در سال‌های ۹۸ و ۹۹ رشد اقتصادی منفی و تولید کاهش پیدا کرده بود... با این حال در آمار شاهد تناقض و ناسازگاری بوده‌ایم چرا که در بهار سال ۹۸ نرخ بیکاری ۱۰٫۹۸ بود، در بهار ۹۹ این نرخ به ۹٫۸ رسید و در سال ۱۴۰۰ شاهد نرخ بیکاری ۸٫۸ بوده‌ایم... در واقع منابع به نام اشتغال و به کام عدم شفافیت هزینه شد.” یکی دیگر از نمایندگان مجلس نیز با اشاره به “منشأ حقوق‌های نجومی”، گفت: “الباقی مبالغ کجا هزینه شده است.” به نظر می‌رسد دولت به بهره‌کشی از جوانان تحصیل‌کرده دانشگاهی و کارگران به وسیله طرح “استادشگردی” احمدی‌نژاد و طرح “کارورزی” روحانی قانع نیست مطابق گزارش ۱۰ آذرماه ۱۴۰۰ ایلنا، روز ۱۶ مهرماه وزارت کار بخشنامه‌ای با عنوان: “دستورالعمل اجرایی طرح مهارت‌آموزی در محیط کار واقعی” خطاب به استانداران سراسر کشور صادر کرده است. در این طرح کارگران با حداقل سن ۱۵ سال تمام و بدون هیچ سقف سنی باید “یک سال کامل به‌رایگان” برای کارفرما کار کنند. به عبارت دیگر، کارفرمایان می‌توانند حتی کارگران متخصص با سن ۳۰ یا ۴۰ یا بالاتر را نیز در این طرح بکار گیرند. هر دوره آموزشی حداقل ۱۰۰ ساعت است و “مهارت‌آموز هر روز حداقل ۴ ساعت و حداکثر ۸ ساعت باید کار کند.” بر اساس این طرح، “طرفین این قرارداد آموزشی هیچ حقی برای مطالبه وجه ندارند” و “انعقاد این قرارداد آموزشی و گذراندن یک سال به‌عنوان مهارت‌آموز در کارگاه، هیچ حقی، برای جذب یا استخدام ایجاد نمی‌کند.” به عبارت دیگر، بدون پرداخت ریالی، کارفرما می‌تواند به اصطلاح مهارت‌آموز را به مدت یک سال به‌کار گیرد و بعد از یک سال به خدمت او خاتمه داده و مهارت‌آموز دیگری را به‌کار گیرد. در این طرح مهارت‌آموزان با هر سطحی از تخصص یا مدرک دانشگاهی، “بیمه نیستند و در لیست بیمه تأمین اجتماعی کارفرما قرار نمی‌گیرند... مهارت‌آموزان در طی دوره مهارت‌آموزی، تحت پوشش بیمه مسئولیت مدنی قرار خواهند گرفت.” یک نماینده کارگران در شورای عالی حفاظت فنی و بهداشت کار در مورد این طرح “بیمه مسئولیت مدنی” گفت:

“این طرح با، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، نیز تعارض دارد.” و در توصیف بیمه مسئولیت مدنی افزود: “بیمه‌ای است که ایمنی کارگران را به‌طور جدی به‌مخاطره می‌اندازد.” واقعیت امر این است که دولت نه برنامه‌ای برای ایجاد اشتغال دارد و نه انجامش در توانش است. طرح جدید مجلس و لایحه بودجه ۱۴۰۱ رئیسی هم به‌جز ادامه برنامه رایج برای آزادسازی مزد و اقتصاد چیز دیگری نیست.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران معتقد است

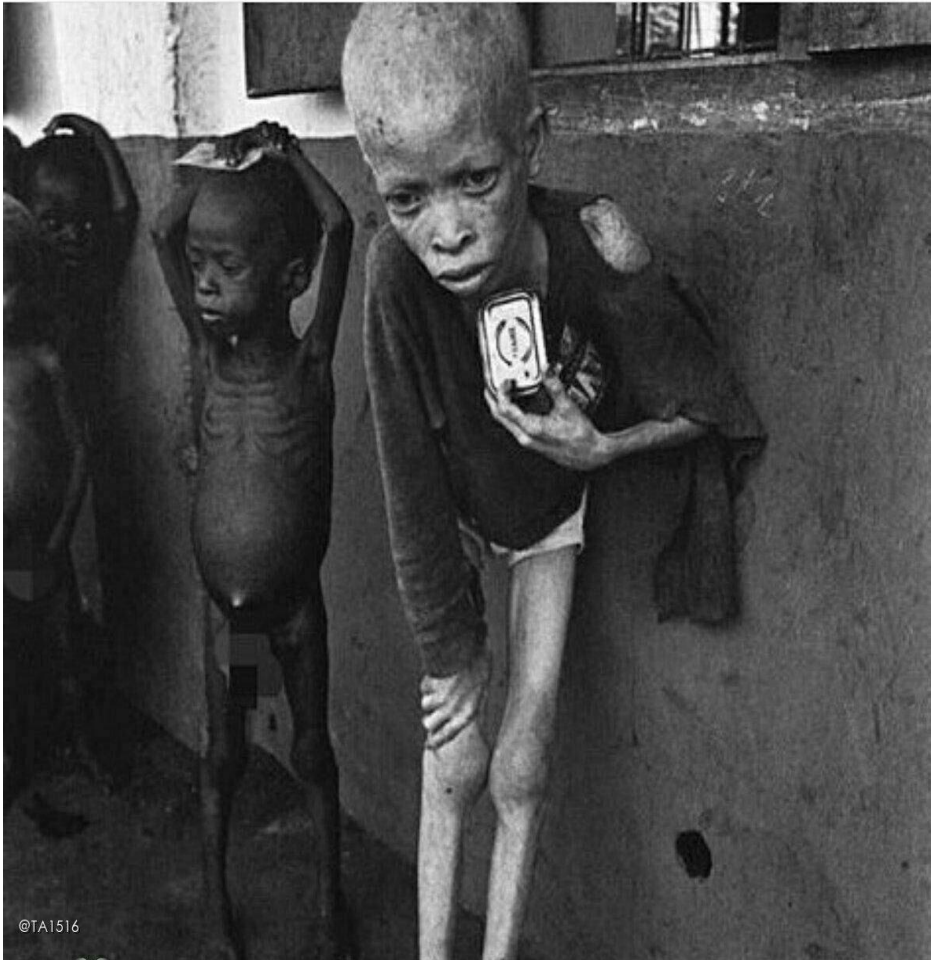
✦ با توجه به بودجه سال آینده و نسخه‌های اقتصادی- اجتماعی موجود در آن، زمینه مناسبی برای سازمان‌دهی مبارزات در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها وجود دارد که می‌توان از آن‌ها برای تقویت سندیکا بهره‌برداری کرد. عرصه‌هایی مانند پرداخت به موقع و کامل دستمزدها، تأمین امنیت شغلی، مبارزه با خصوصی سازی و آزادسازی اقتصادی، در شرایط حاضر از اولویت‌های مبارزاتی جنبش کارگری میهن ماست. همین عرصه‌ها با خواست‌های توده‌های محروم و خیل عظیم جوانان بیکار ارتباط تنگاتنگ دارد. نقطه اشتراک اعتراضات در این واقعیت نهفته است که اجرای دستورهای نهادهای قدرتمند سرمایه‌داری جهانی مانند: صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، موجب فقر و شکاف طبقاتی در کشور شده است.

به‌باور ما، طبقه کارگر و زحمتکشان میهن بدون دستیابی به حقوق سندیکایی و برخورداری از تشکل پایه طبقاتی یعنی سندیکاها، نخواهند توانست منافع و حقوق صنفی- رفاهی خویش را تأمین کرده و همچنین نمی‌توانند نقشی مؤثر در جنبش همگانی آزادیخواهی داشته باشند. جنبش کارگری- سندیکایی ضمن آنکه با سازمان‌یافتگی‌اش در راستای تحکیم پیوند با مبارزات سراسری و اتحاد با طبقه‌ها و لایه‌های مخالف خصوصی سازی و دستورات صندوق بین‌المللی پول به ویژه برنامه‌های اقتصادی نئولیبرالیستی حاکم حرکت و اقدام می‌کند، در

همان حال بر استقلال عمل و سرشت طبقاتی خویش نیز تأکید می‌ورزد. این دو به‌هیچ روی جدای از همدیگر تعریف نمی‌شوند، بلکه باید این نکته مهم را یادآور شد که مبارزه طبقه کارگر در راه پیوند یافتن با مبارزات سراسری به‌همراه استقلال عمل طبقاتی خویش لازم و ملزوم یکدیگرند. نفی مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و چشم فرو بستن بر خصلت و انگیزه سیاسی جنبش اعتراضی زحمتکشان زیر عنوان‌هایی مختلف مانند "وسواس در حفظ خلوص طبقاتی- کارگری" با هر نیتی که بیان شود، در حقیقت خلع سلاح سازمانی، صنفی، و سیاسی کارگران در میدان مبارزه طبقاتی است و به امر حیاتی مبارزه مشترک همه لایه‌ها و طبقه‌های اجتماعی و نمایندگان سیاسی آن‌ها با سیاست‌های نئولیبرالیستی نمی‌رساند.

مسئله‌هایی مهم مانند تشکل و سازمان‌دهی، وجود خواست‌هایی مشترک پیرامون توقف خصوصی‌سازی، افزایش دستمزدها، پرداخت مزدهای معوقه، لغو قراردادهای موقت، و تأمین امنیت شغلی از جمله نقاط مشترک و پراهمیت‌اند که زمینه‌هایی برای اتحاد عمل فراگیر فراهم می‌کنند. به این نکته کلیدی از سوی سندیکالیست‌های راستین و مبارزان هوادار منافع طبقه کارگر باید توجه جدی شود. غلبه بر پراکندگی و فرقه‌گرایی و رسیدن به اتحاد عمل فراگیر می‌تواند همچون سلاحی مؤثر در برابر خرابکاری و اقدام‌های آسیب‌رسان از سوی جریان‌های نفوذی و ناسالم کارایی داشته باشد.

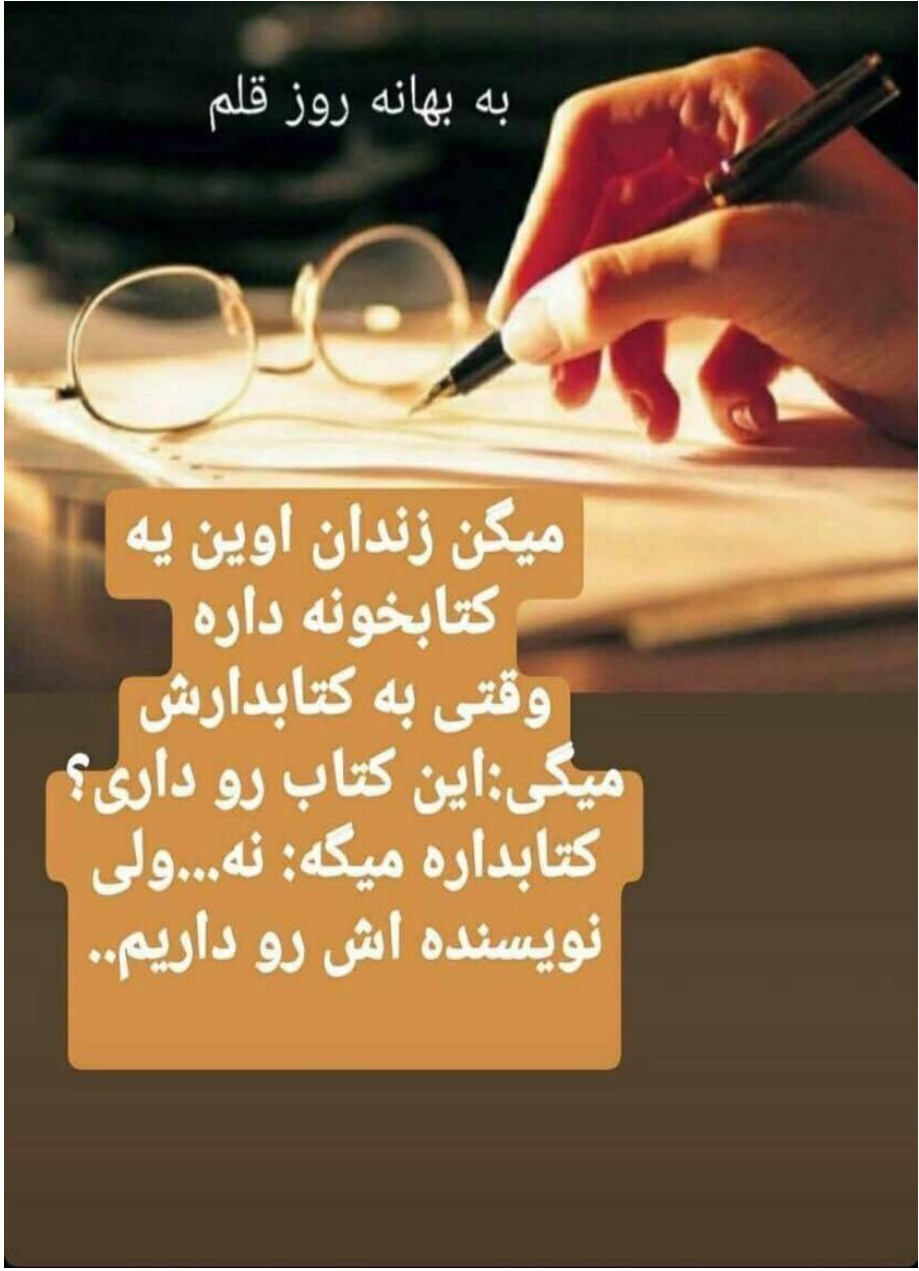
بهموازات مبارزه برای اتحاد عمل فراگیر، پافشاری بر استقلال عمل طبقاتی اهمیتی دوچندان دارد. از یاد نباید برد که حفظ استقلال عمل طبقاتی سبب قوام و دوام مبارزات کارگری و ارتقای سطح رزمجویی آن خواهد شد. از دیگر موردهایی که اشاره‌ای حتی گذرا به آن‌ها ضرور می‌نماید، تأکید بر احیای حقوق سندیکایی است.



@TA1516

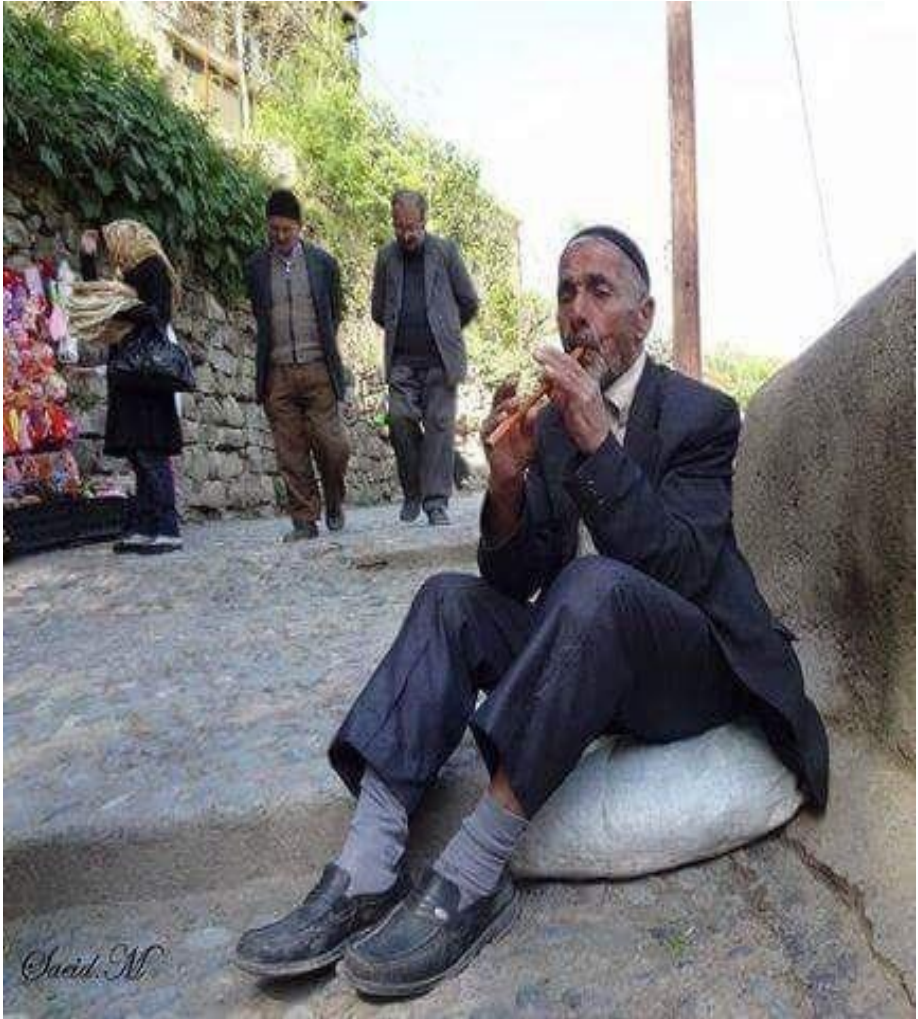
ما دارو را برای آفریقا ارسال کردیم و این یک کار انسانی و شرافت مندانه است ، اما دارو ها یک مشکل دارد ، روی آن نوشته شده : بعد از غذا.

چارلز_بوکوفسکی



به بهانه روز قلم

میگن زندان اوین یه
کتابخونه داره
وقتی به کتابدارش
میگی: این کتاب رو داری؟
کتابداره میگه: نه... ولی
نویسنده اش رو داریم..



زندگی همچون نی تو خالی است. در درون خالی و تهی است، ولی در عین حال ظرفیتی بی‌نهایت، برای نت‌های خوش‌آوا دارد. همه‌اش بستگی به نوازنده دارد. زندگی همانی می‌شود، که تو از آن می‌سازی ...